Scientific Journal of Islamic Management

Anti-Rational Decision Making in Human Behaviour; A Quran study

ali abdollahi neisaini [1]

Vol. 31
Spring 2023

Research Paper

Received:
27 February 2022
Accepted:
7 February 2023
P.P: 49-83

ISSN: 2251-6980
E-ISSN: 2645-5234

Abstract

The lack of "Descriptive Models of Human Behaviour" (DMHB) is one the oldest anomalies in behavioral sciences, especially Behavioral Economics. In one side, different sciences demand for this kind of behavior models; and on the other side, modeling the behavior is as difficult as understanding human internal situations and his environmental complexity. DMHB are important because they have multi-disciplinary usage (economics, ergonomics, social psychology, management and etc…) , and also DMHB are the necessary foundations for developing prescriptivetechniques in controlling and directing human behavior. In this paper we developed new model of human behaviors. This models is identified and explained thorough the deep studies in scientific literature of DMHB and Quran text. Quran in this research is the source of idea to find DMHB; also the guide of explaining DMHB. This models is explained in a scientific standard structure as "Ideal Type of DMHB". Also, its relations to other renowned theories is discussed. The basic methodology and all the steps of this research in preparing, organizing text, studying, documentation, coding, abstraction and final conclusions are based on qualitative content analysis. Therefore, the "validity" and "Trustworthiness" of research is obtained by three criteria "Credibility", "Dependability" and "Transferability".

Keywords: descriptive model behavior Antirational decision making quran.

DOR: 20.1001.1.22516980.1402.31.1.2.8

1. Assistant Professor, Faculty of Management, Faculty Member, Tehran, Iran.
a.abdollahy@gmail.com

نشریه علمی مدیریت اسلامی

مدل تصمیم‌گیری ضدّعقلایی در انسان و ابعاد رفتاری آن (رویکرد قرآنی)

علی عبدالهی نیسیانی[1]

۱
سال سی و یکم
بهار ۱۴۰۲
مقاله پژوهشی
تاریخ دریافت:
۱۴۰۰/۱۲/۰۸
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۱/۱۱/۱۸
صص: ۸۳-۴۹
شاپا چاپی: ۶۹۸۰-۲۲۵۱
الکترونیکی: ۵۲۳۴-۲۶۴۵

چکیده

در چندین دهه اخیر، رابطه عقلانیت ابزاری و تصمیم‌گیری از مهمترین موضوعات مورد توجه در علوم مربوط به رفتار انسان بوده است. به‌طوری‌که همین موضوع، از سال ۱۹۷۸ تا ۲۰۲۰ بارها جایزه نوبل علمی را به خود اختصاص داده و منشأ شکل‌گیری اقتصاد رفتاری شده است. اگر بر نقشه دستاوردهای علمی این موضوع دقت شود این نکته بدست می‌آید که با لحاظ دو متغیر اصلی مطلوبیت و عقلانیت، هنوز یکی از جنبه‌های رفتاری انسان یعنی تصمیم‌گیری ضدّعقلایی معرفی و تبیین نشده است؛ و همزمان، اصلی‌ترین دلیل وجود چنین نوعی از خلأ نظری در توسعه مدل‌های رفتاری جدید، محدودیت‌های علمی و ابزار و روش‌های آزمایش در اختیار بشر بیان شده است؛ بنابراین در این پژوهش از نگاه قرآن کریم –به‌عنوان منبع آگاهی‌بخشی فراتر از محدودیت‌های کنونی بشری– چگونگی رابطه عقلانیت و تصمیم‌گیری تحت تأثیر متغیر فشار زمانی بررسی، کشف و مدل سازی شده است. قرآن کریم در تبیین مدل تصمیم گیری ضدّعقلایی روشن می‌کند که وجود شرایط مطلوب یا نامطلوب، یک اتفاق ادراک شده و نسبی از سوی فرد فردِ انسان هاست. درنتیجه اگر فردی خود را در شرایط نامطلوب ادراک کند (فارغ از اهمیت نگاه دیگران به همان شرایط)، وی به تصمیم‌گیری در شرایط فشار سوق داده شده و تلاش‌های تقلّاگونه ذهنی و عملی او برای رهایی از این وضعیت آغاز می‌شود؛ و این شرایط فشار، منجر به افزایش احتمال انتخاب گزینه‌های نامطلوب برای او می‌گردد؛ و در ادامه در یک چرخه بازخوردی معیوب، خودِ این تصمیم نامطلوب باعث می‌شود تا فرد قضاوت قاطعانه‌تری نسبت به وجود شرایط نامطلوب خویش بکند. مطابق با مدل بدست آمده مؤثرترین رویکرد لازم برای شکستن این چرخه، خروج فرد از احساس احاطه شدن با شرایط نامطلوب و یا فشار می‌باشد. همچنین راهکارهایی مثل اقدام به تصمیم نگرفتن تا زمان مناسب و یا توجه به داشته‌ها و ایجاد احساس خوب، در خروج تصمیم‌گیر از این چرخه کمک می‌نماید. اعتبار مدل بدست آمده از دو طریق محرز می‌شود: اول؛ فرآیند پژوهشی کشف مدل از قرآن مسیری مطمئن باشد. دوم؛ مدل بدست آمده از حساسیت علمی (به معنای سازگاری و توجیه‌کنندگی با ساختارها، داده‌ها و نظریه‌های علمیِ مرتبط) برخوردار باشد. به همین منظور این تحقیق بر اساس روش تحلیل محتوای کیفیِ انطباق یافته با خصوصیات متن قرآن کریم انجام شده و در مسیر بررسی خود به تجزیه و تحلیل نظام‌مند هشتصد و چهارده آیه منتخب از قرآن کریم پرداخته است؛ و بعلاوه اینکه مدل بدست آمده با ساختار استاندارد مدل‌های رفتاری، داده‌های یک آزمایش تجربی مرتبط و همچنین نظریه‌های علمی مرتبط تطبیق داده شده و هماهنگی ادعاهای برخاسته از مدل با آن‌ها توضیح داده شده است.

کلیدواژه‌ها: تصمیم‌گیری، ضدّعقلایی، علوم رفتاری، تصمیم‌گیری قرآنی، عقلانیت ابزاری

DOR: 20.1001.1.22516980.1402.31.1.2.8

۱. استادیار، دانشکده مدیریت،عضوهیات علمی ،تهران، ایران. a.abdollahy@gmail.com

مقدمه

مسیر بحث در این نوشتار به این صورت است که در بیان مسئله خود به توضیح رابطه میان عقلانیت و مطلوبیت در نظریه‌های تصمیم‌گیری تمرکز می‌کند و این نتیجه بدست می‌آید که در این میان جنبه‌ای خاص از رفتار انسان‌ها نیازمند تبیین علمی هستند؛ که این هدف از مسیر توسعه مدل‌های توصیفی رفتار محقق می‌شود؛ اما مشکل اصلی‌تر آنجاست که توسعه مدل‌های رفتاری با ظرفیت‌های دانشی و آزمایشی فعلی بشری با محدودیت‌های فراوان روبروست و در اینجا ایده استفاده از منبع وحی الهی برای ما راهگشا خواهد بود؛ بنابراین در قسمت ادبیات نظری ساختاری اصولی از شاکله مورد تأیید مدل‌های رفتاری ارائه می‌کنیم. ساختاری که با کمک آن می‌توانیم با کمک روش تحلیل محتوای کیفی به صورت نظام‌مند به شناسایی آیه‌های مرتبط و دسته‌بندی و مفهوم‌گیری از آن‌ها اقدام نماییم. در ادامه و در قسمت تجزیه و تحلیل و بررسی، آیه‌هایی که ما را در تبیین مدل تصمیم‌گیری ضدّعقلایی راهنمایی می‌کنند را به صورت استدلالی در کنار هم آورده و مدل ترسیمی نهایی را استنتاج و استخراج نموده‌ایم. در ادامه نوشتار، به توضیح سازگاری و توجیه‌کنندگی دستاورد این پژوهش با دیگر دستاوردها و نظریه‌های علمی، -بخصوص در دانش مدیریت و اقتصاد- پرداخته و بعلاوه با کمک داده‌های پژوهشی در یک آزمایش علمی قبلاً منتشر شده، بر اعتبار مدل تصمیم‌گیری ضدّعقلایی صحّه می‌گذاریم.

بیان مسئله

تصمیم‌گیری از موضوعات رفتاری کلیدی است که دستاوردهای پژوهشی آن جایگاهی بین رشته‌ای داشته و دانش‌های مختلفی از روانشناسی گرفته تا علوم شناختی، مدیریت، اقتصاد، جامعه‌شناسی و مانند این‌ها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در یک روند نگاری از نقشه علمی که در رابطه میان مطلوبیت و عقلانیت جدول زیر قابل مشاهده است ملاحظه می‌شود که اگر بر مبنای Rationality -یا اصطلاحاً عقلانیت ابزاری- به تصمیم‌گیری توجه کنیم یک جنبه از تصمیم‌گیری انسان‌ها هست که هنوز تبیین کافی نظری نشده است. در جدول ۱ انواع تصمیم‌گیری مبتنی بر

فرآیند عقلایی (عقلانیت ابزاری) بیان گردیده و بر اساس دستاوردهایی که برای فرد بدست می‌آورند طبقه‌بندی شده‌اند:

جدول ۱. رابطه میان مطلوبیت بدست آمده و عقلانیت در نظریه‌های رفتاری

ردیف	نظریه پیش‌بینی کننده	مطلوبیتِ دستاوردهای فرآیند عقلایی برای فرد	معادل لاتین	میزان پرداختِ علمی
۱	نظریه عقلانیت کامل	کاملاً مطلوب	Rationality	بسیار زیاد- هنوز مفروض غالب اقتصاد و دانش مدیریت
۲	نظریه عقلانیت محدود	نسبت (به اندازه کافی) مطلوب	Bounded Rationality	زیاد- بخصوص با اعطای جایزه نوبل دهه شصت میلادی و مباحث اقتصاد رفتاری
۳	نظریه ضدّعقلانیت	نامطلوب	Anti Rationality	بسیار کم

توضیح روند عقلانیت کامل در جدول بالا این است که تا دهه ۶۰ میلادی فرض بر این بود که استفاده از فرآیند عقلایی منجر به بهترین تصمیمات ممکن می‌شود. در دهه ۶۰ میلادی هربرت سایمون این فرض را ساده انگارانه توصیف کرد و بیان کرد که مردم در عمل نه از فرآیند عقلانیت به صورت کامل پیروی می‌کنند و نه دستاوردهای آن بهترین حالت ممکن است (عقلانیت محدود). همان گونه که از جدول بالا نیز می‌توان فهمید، بر این اساس یک جنبه از تصمیم‌گیری‌های انسان‌ها مغفول می‌ماند. این که فرد علیرغم آن که از فرآیند عقلایی (به معنی ابزاری و حسابگرانه و نه عقلانیت جوهری که میان عموم شناخته شده) کمابیش استفاده کرده، اما این فرآیند منجر به تصمیماتی می‌شود که نه تنها نتایج مطلوبی برای وی ایجاد نمی‌کنند بلکه در مقابل نتایج نامطلوبی نیز ایجاد می‌کنند. از همین رو این حالت ضدّعقلانیت -در ادامه عقلانیت محدود- نامیده شده است. نگاه ضدّعقلانیت در تصمیم‌گیری موضوعی است که تبیین کاملی نشده و نیاز به توسعه بیشتری دارد (عبدالهی نیسیانی، ۲۰۱۰).

اما برای آن که بتوانیم این جنبه تصمیم گیری را - بنا به توضیحی که در ادامه می‌آید- در زبانی مشترک و قابل اتکا برای بقیه پژوهشگران داشته باشیم «نیاز به توسعه مدل رفتاریِ مربوط به آن داریم»؛ اما توسعه مدل‌های رفتاری از چالش‌های قدیمی علمی محسوب شده و از این رو

نیازمندیم از منبعی فرابشری – وحی الهی در قرآن کریم- جهت افزایش ظرفیت دانشی خود بهره ببریم.

توضیح آن که برخی دانشمندان مباحث علمی مرتبط با علوم رفتاری انسان را از زمره «علوم ناموفق» می‌دانند (هرسی و بلانچارد، ۱۹۷۷، ص ۱-۲)؛ زیرا ریشه مشترک مشکلات علوم ناموفق «دشواری مدل کردن رفتار انسان» است. تا کنون تلاش‌ها و فنون مختلفی برای درک و پیش‌بینی رفتار انسان ارائه شده‌اند. هرچه علوم، هدفشان مربوط به تغییر در دانش و نگرش انسان‌ها بوده (مانند علوم طبیعی و ریاضی) وظیفه آسان‌تری دارند و موفق‌تر بوده‌اند؛ و در مقابل هرچه هدف آن علوم بیشتر مربوط به تغییر در رفتار انسان‌ها بوده (در علوم رفتاری) وظیفه دشوارتری داشته و البته ناموفق‌تر بوده‌اند (هرسی و بلانچارد، ۱۹۷۷، ص ۲). تمامی علوم رفتاری –همچون اقتصاد رفتاری یا مدیریت – در «پیش‌بینی و تحلیل رفتار انسان» نیازمند «مدل‌های توصیفی رفتار انسان»[1] و در «کنترل رفتار انسان» نیازمند «مدل‌های تجویزی رفتار انسان» می‌باشند. به علاوه اینکه در نظام نظریه پردازی، «مدل‌های توصیفی رفتار انسان» نقش زیرساختی داشته و به‌وسیله آن‌هاست که امکان توسعه «مدل‌های تجویزی رفتار انسان» نیز مهیا می‌شود؛ یعنی اهمیتی مضاعف می‌یابند. بر همین اساس می‌توان گفت که در علم اقتصاد رفتاری یا مدیریت به عنوان یک علم به اصطلاح «ناموفق»، از کلیدی‌ترین چالش‌های نظریه پردازی و توسعه علم، کمبود مدل‌های توصیفی رفتار انسان است که متناسب با موضوعات مورد نیاز در این علم توسعه داده شده باشند؛ بنابراین چنین علومی به تناسب تعریف و ماهیت خود از نیازمندترین علوم در بهره برداری از «مدل های توصیفی رفتار انسان» می‌باشد (نادلر و توشمن، ۱۹۸۰).

در یک جمع‌بندی مشخص می‌شود علوم رفتاری برای توسعه نظری خود نیازمند توسعه مدل‌های توصیفی رفتار انسان می‌باشد. تولید این مدل‌ها مشکل است و علیرغم استقبالی که فضاهای علمی از این مباحث داشته اند هنوز خلأ نظری نسبی در این زمینه وجود دارد. از سویی دیگر، یکی از سرمایه‌های اصلی که علوم میان رشته‌ای اسلامی (همچون اقتصاد اسلامی یا مدیریت اسلامی) می‌تواند خود را با آن متمایز کند قابلیت بهره برداری از منبع غنی علم الهی در ارتقا و

۱ . در این نوشتار «مدل‌های رفتار» و «مدل‌های رفتاری» هردو به معنی «مدل‌های توصیفی رفتار انسان» می‌باشند که به اقتضای متن از آن‌ها استفاده می‌شود.

تکمیل دانش و درک بشری است. این تحقیق به دنبال کاهش این خلأ نظری با استفاده از قرآن کریم می‌باشد؛ که در صورت امکان استفاده از این منابع، تأثیر محدودیت‌ها و تحلیل‌های ناقص بشری به حداقل رسیده و خطوط روشنی را برای دیگر بررسی‌های علمی آشکار می‌سازد؛ بنابراین، به صورت مشخص این پژوهش به دنبال این مسأله است که با رجوع به منبع آسمانی اسلام یعنی قرآن حکیم، چه نکاتی را می‌توان در معرفی و یا تبیین چنین مدل‌هایی جدید از رفتار انسان به منظور بهره برداری در فضای مدیریت و کاربردهای مرتبط به آن استخراج نمود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

برای کسب درک صحیحی از مدل توصیفی رفتار انسان لازم است که مفهوم «مدل» و «مدل توصیفی» تعریف و جایگاه آن‌ها در علم مدیریت مشخص شود. بدین وسیله می‌توان در بخش‌های بعدی مفهوم، ابعاد و جایگاه مدل‌های توصیفی رفتار انسان را در علم مدیریت بیان نمود.

۱- مدل

یکی از ابعاد اصلی «مدل توصیفی رفتار انسان»، «مدل» بودن آن است. برای آن که مفهوم مدل بیشتر درک شود بایستی به مفهوم نظریه یا تئوری بیشتر دقت شود. نظریه، به تبیین نظام‌مند روابط بین پدیده‌ها می‌پردازد (نیومن، ۱۳۸۹)؛ یعنی نظریه (همان تئوری) نشان دهنده نظامی از روابط بین پدیده‌ها، مفاهیم و ساخت‌هاست که در آن نظریه بیان می‌شود که چگونه مفاهیم، خصیصه‌ها و ساخت‌ها با یکدیگر ارتباط داشته و بر یکدیگر اثر می‌گذارند. نظریه‌ها به دنبال پیش‌بینی رفتار چیزها و کنترل آن‌ها هستند و هدف اصلی‌شان نیز همین می‌باشد (شومیکر، ۱۳۸۷، ص. ۱۸). مدل‌ها اصلی‌ترین بخش نظریه‌ها هستند و این قرابت بین آن‌ها به گونه‌ای است که این دو را معادل یکدیگر می‌دانند و گاهی به جای هم بکار می‌روند (کاپلان، ۱۹۶۴، ص ۲۶۴؛ سورین و تانکارد، ۱۹۹۷، ص ۴۵)؛ زیرا نظریه‌ها آن نظامی را که می‌خواهند بین پدیده‌ها بیان کنند به وسیله مدل‌ها بیان می‌کنند (باران و دیویس، ۱۹۹۵، ص ۲۵۱)؛ یعنی مدل‌ها (در انواع مدل‌های ریاضی، ترسیمی، نوشتاری و ...)، همان خروجی و محصولِ بروز یافته فرآیند نظریه پردازی هستند (کرلایل و کلایتون ۲۰۰۵).

۲- مدل توصیفی

اگر به انواع نظریه‌ها شامل نظریه‌های توصیفی و تجویزی دقت شود، نقش کلیدی مدل‌ها بیشتر مشخص می‌شود. نظریه‌های توصیفی به دنبال تبیین روابط بین پدیده‌ها هستند و نظریه‌های تجویزی در پی آن‌اند که با استفاده از شناخت و دانشی که در نظریه‌های توصیفی بدست آمده‌اند، راهکارهایی را برای حلّ یک مسأله و رفع یک خلأ خاص ارائه نمایند. نظریه‌های توصیفی از مدل‌های توصیفی و نظریه‌های تجویزی از مدل‌های تجویزی استفاده می‌برند. نظریه‌های توصیفی به وسیله مدل‌های توصیفی خود، مبنای شکل‌گیری مدل‌های تجویزی در نظریه‌های تجویزی می‌باشند (کرلایل و کریستنسن، ۲۰۰۵). ناگفته نماند هنگامی که بحث از نظریه می‌شود (چه نظریه‌های توصیفی و چه نظریه‌های تجویزی) نباید لزوماً توصیف یا ارائه اطلاعات و یا ارائه نگاره و نموداری در مورد پدیده‌هایی را معادل نظریه دانست. در نظریه‌ها باید «تبیین» صورت بگیرد؛ یعنی نظریه باید به دنبال ارائه نظامی عِلّی-معلولی از روابط بین پدیده‌ها باشد و همچنین شرایطی که این پدیده‌ها چنین روابطی عِلّی باهم پیدا می‌کنند را بدون ابهام مشخص نماید. هرچه قدر قدرت تبیین روابط عِلّی نظریه‌ای کمتر بشود و مثلاً به یک توصیف کلّی و یا همبستگی اکتفا کند، از نظریه دور شده است و به «شبه نظریه» نزدیک‌تر می‌باشد (فقیهی، ۱۳۷۶).

۳- مدل توصیفی رفتار انسان

موضوع اصلی علم مدیریت رفتار سازمانی، تبیین (مدل) رفتار انسان در ساحت سازمان می‌باشد (گریفین و مورهد، ۱۹۸۶، ص ۸). مدل‌های رفتار انسان از مباحث اساسی در مدیریت رفتار سازمانی هستند؛ زیرا مدل «تبیین‌کننده روابط عِلّی مؤثر بر رفتار انسان می‌باشد» و از مفروضات بنیادین علم مدیریت رفتار سازمانی این است که رفتارهای انسان علّت یا علّت‌هایی دارد که این علم به شناسایی و معرفی آن‌ها می‌پردازد (نادلر و توشمن، ۱۸۹۰؛ رابینز، ۲۰۱۳، ص ۱۱). ساختار علمی «مدل توصیفی رفتاری انسان» با توجه به ماهیت توصیفی و هدف پیش‌بینی کننده آن، به این صورت می‌باشد:

«انسان‌ها معمولا به علّت شرایط مشخصِ محیطی و یا حالات درونیِ x، به صورتِ مشخصِ y رفتار می‌کنند»

در این عبارت، کلمه «معمولاً» بر «فراگیر بودن مدل رفتاری در میان انسان‌ها» ولی «به صورت استثنا پذیر» تأکید می‌کند. این نکته از آن لحاظ بیان شده که در نظریه های مربوط به انسان و رفتار او -با نظریه‌های مربوط فیزیک و شیمی این تفاوت وجود دارد و- نمی‌توان به صورت مطلق برای تمامی انسان‌ها رفتاری را «تبیین» نمود. به همین دلیل صاحب‌نظران نظریه‌ای را واجد صلاحیت می‌دانند که به این نکته علمی نیز در رفتار انسان توجه داشته باشد. همچنین در عبارت فوق کلمه «مشخص» تأکید می‌کند که باید علّت‌ها و رفتارهای انسان به صورت مشخص شده ارائه شوند. همچنین عبارت «رفتار می‌کنند» هرگونه عملکرد غیر ارادی انسان را صرفاً ناشی از فیزیک و بدن او می‌باشد از مصادیق «مدل‌های رفتاری انسان» خارج می‌سازد؛ بنابراین گزاره بیان شده در فوق ارائه کننده یک تعریف از مفهوم «مدل‌های توصیفی رفتاری انسان» نیز می‌باشد؛ یعنی هر گزاره علمی که بیان کننده ادعایی مطابق با ساختار این تعریف باشد، یک مدل توصیفی رفتاری انسان محسوب می‌شود. از این رو، هر نظریه یا مدلی که در ادبیات علمی موجود به صورت آشکار و یا غیر مستقیم بتواند در مورد رفتار انسان ها مطابق با ساختار علمی فوق ادعایی را بنماید، یک مدل توصیفی از رفتار انسان را ارائه کرده است. بنا به توضیحات داده شده در بالا هفت شاخص وجود دارند که لازمه تمامی مدل‌های توصیفی رفتار انسان هستند. این شاخص‌ها در نمودار ۱ آمده‌اند (عبدالهی نیسیانی و رضائیان؛ ۲۰۲۰):

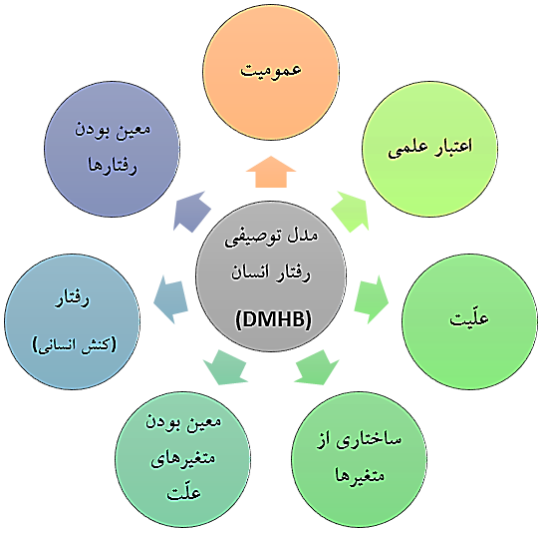

شکل ۱. شاخص‌های الزامی مدل‌های توصیفی رفتار انسان

شاخص‌های مفهومی ارائه شده در شکل ۱ نشان می‌دهد که مدل‌های توصیفی رفتار انسان چه الزاماتی داشته و بر اساس چه عواملی شکل می‌گیرند. بر اساس این شاخص‌ها می‌توان قضاوت نمود که درمیان انبوه گسترده نظریه‌ها و گزاره‌های علمی کدام یک واجد شرایط «مدل توصیفی رفتار انسان» هستند و بدین ترتیب شناسایی این مدل‌ها ممکن می‌شود؛ و به همین وسیله، جستجوی این مدل‌های رفتاری در قرآن کریم برای این پژوهش میسر شد.

در یک جمع‌بندی بر اساس ساختار علمی توضیح داده شده، به علاوه شاخص‌های مفهومی ارائه شده می‌توان، نوع ایده‌آل مدل توصیفی رفتار انسان را ارائه داد (شکل ۲). نوع ایده‌آل[1]، بیانگر گزاره‌ای ایده‌آل است که تمامی شرایط لازم را برای مدل توصیفی رفتار انسان بودن در خود دارد و آن را در قالب ساختار علمی نیز نشان می‌دهد. نوع ایده آل با هدف تسهیل در نمایش نظریه ارائه می‌شود و خودش یک نظریه نیست و صرفاً به صورت ملموس تر وروشن تر ساختار نظریه‌ها را نمایش داده و آن‌ها را قابل رصد و جستجو می‌نماید.

1. Ideal Type

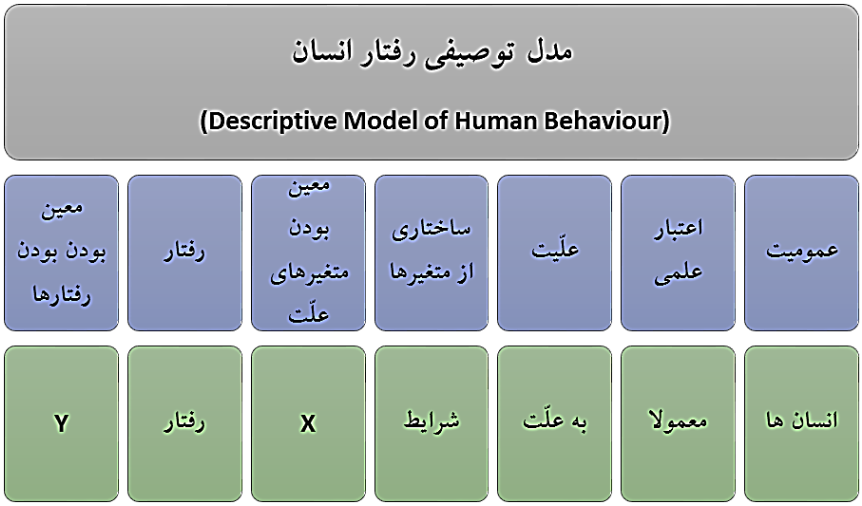

شکل ۲. نوع ایده‌آل مدل توصیفی رفتار انسان

«انسان‌ها معمولاً به علت شرایط X رفتار Y دارند» نوع ایده‌آل مدل توصیفی رفتار انسان است که معادل انگلیسی آن «Humans usually because of situations X behave Y» می‌باشد. این همان ساختار علمی است که در تعریف مدل توصیفی رفتار انسان ارائه شد و در این جا نسبت تک تک اجزای این ساختار علمی با شاخص‌های مفهومی بیان شده است. بدین صورت می‌توان گفت که هر مدل توصیفی رفتار انسان را می‌توان بر اساس ساختار این نوع ایده‌آل بازنویسی نمود (همان).

روش تحقیق

روش تحقیق مختار برای انجام این تحقیق، «روش تحلیل محتوای کیفی تطبیق یافته با متن قرآن کریم» بوده است. این روش متناسب با روش تحلیل محتوا توسعه یافته که به تحلیل و استنتاج از متن می‌پردازد؛ ولی از آن جایی که متن قرآن کریم نسبت به متون دیگر بشری اقتضائات خاص خود را دارد و جهت تدبر و استنتاج از آن باید ملاحظاتی خاص‌تر را بکار برد با شرایط تدبر در قرآن کریم متناسب‌سازی شده است[1]. این روش تحقیق به صورت خاص تدبر محور است بدین

۱.در توسعه این روش تحقیق و در متناسب‌سازی آن با اقتضائات قرآنی از «روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم» بهره برداری زیادی شده است (لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۱)

صورت که به طور تخصصی به بررسی یک موضوع در قرآن کریم پرداخته و علاوه بر تجویزی و گام به گام بودن، با الزامات رایج در روش‌های تحقیق علمی متناسب‌سازی شده است. این روش تحقیق هم در گام‌ها و هم در اصول با روش تحلیل محتوای کیفی مطابقت دارد (عبدالهی نیسیانی، ۱۳۸۷).

اعتبار علمی این پژوهش بر اساس معیارهای تعریف شده در روش تحلیل محتوای کیفی ارزیابی می‌شود. این پژوهش چون مبتنی بر روش تحلیل محتوای کیفی بوده است قابلیت اطمینان علمی خود را به‌وسیله عمل به توصیه‌های مشخصی که سه جنبه قابلیت اعتبار، قابلیت اعتماد و قابلیت انتقال در آن‌ها لحاظ شده بوده به دست آورده است (زنگ و ویلدموث، ۲۰۰۹)؛ یعنی برای بررسی متن توصیه‌هایی ارائه شده است که بصورت تطبیق یافته با متن قرآن این توصیه‌های اطمینان‌بخش بدین وسیله محقق شدند: انجام تحقیق مقدماتی در قرآن کریم در یافتن کلیدواژه‌های ورود به تحقیق، پژوهش مفصل در تعیین شاخص‌های عینی برای شناسایی مدل‌های توصیفی رفتار انسان، تعداد زیاد و قابل قبول کلیدواژه و آیات بررسی شده، انطباق و مستندسازی نکات به دست آمده از متن با منابع مختلف و معتبر تفسیری، ارائه نتایج تحقیق و اخذ نظرات تعداد زیادی از کارشناسان مرتبط در زمینه‌های معارف اسلامی، مدیریت، اقتصاد و روانشناسی، دقت در انتخاب واحدهای معنای تحلیل بر اساس تعیین رکوعات قرآنی (سیاق آیات)، افزایش دقت تحلیل متن قرآن کریم با استفاده از نرم‌افزارهای مربوطه و آشنایی چندین ساله با ابعاد روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم و اجرای کامل مراحل آن (عبدالهی نیسیانی، ۱۳۸۷).

روش پژوهش

روش تحقیق مختار برای انجام این تحقیق، «روش تحلیل محتوای کیفی تطبیق یافته با متن قرآن کریم»[1] بوده است. این روش ماهیتاً همان تحقیق همان روش تحلیل محتواست که به تحلیل و استنتاج از متن می‌پردازد؛ ولی از آن جایی که متن قرآن کریم نسبت به متون دیگر بشری

۱ .ر.ک. عبدالهی نیسیانی، علی (۱۳۸۷)، روش تحلیل محتوای کیفی تطبیق یافته به منظور تحقیق در متن قرآن کریم. *آموزه‌های قرآنی*.

در این روش از اقتضائات قرآنی که در روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم استفاده می‌شده بهره‌برداری شده است. ر.ک. لسانی فشارکی و مرادی زنجانی (۱۳۹۱).

اقتضائات خاص خود را دارد و جهت تدبر و استنتاج از آن باید ملاحظاتی خاص‌تر را بکار برد با شرایط تدبر در قرآن کریم متناسب‌سازی شده است. این روش تحقیق به صورت خاص تدبر محور است بدین صورت که به طور تخصصی به بررسی یک موضوع در قرآن کریم پرداخته و علاوه بر تجویزی[1] و گام به گام بودن، با الزامات رایج در روش‌های تحقیق علمی متناسب‌سازی شده است. همه این موارد در حالیست که این روش تحقیق علاوه با گام‌ها و هم اصول روش تحلیل محتوای کیفی مطابقت دارد.

بصورت ملموس‌تر اگر بخواهیم برخی نقاط مهم از کل مسیر طی شده را بیان نماییم، در این پژوهش ۸۱۴ آیه قرآن کریم در قالب ۶۳ ردیف تحقیقی مورد بررسی قرار گرفتند. از میان این آیات، ۶۳ آیه اصلی –یعنی آیه‌های حاوی کلیدواژه «انسان»- و بقیه آیه‌های فرعی در اطراف این آیه‌های اصلی بوده‌اند؛ یعنی کلّ آیاتی که در این تحقیق بررسی شده‌اند، آیاتی بوده‌اند که حاوی کلمه «انسان» بوده‌اند و یا آیاتی که اطراف این آیات اصلی بوده و همگی حول کلمه «انسان» بررسی شده‌اند. یافتن کلیدواژه «انسان» خود محصول یک تدبر مقدماتی در متن قرآن کریم بوده است؛ که پس از آن بررسی مقدماتی آشکار شد که کلیدواژه انسان آیات مرتبط‌تری با تحلیل رفتاری انسان را در اختیار پژوهش‌گر قرا می‌دهد. همچنین در مقایسه کلمه انسان با مفاهم نزدیک مشاهده شد که در جاهایی از قرآن که از «بنی‌آدم» استفاده شده بیشتر توجه آیات به مساله وراثت و یا مفاهیم آبا و اجدادی بوده و در جاهایی که از «بشر» استفاده شده بر جنبه مادّی و ظاهری انسان‌ها تأکید شده است؛ اما کلمه انسان ماهیت تحلیلی از انسان و رفتار او محور بحث است. از این آیه‌ها ۶۶۶ نکته مفهوم‌یابی شدند. این مفاهیم هرکدام مطابق با ماهیت خود در زیر این آیه‌های ۶۳ گانه سازماندهی و مستند شدند. همچنین مفاهیم درون آیه‌ای و میان آیه‌ایِ مرتبط با یکدیگر در حدود ۲۱۵۰ مرتبه به یکدیگر ارجاع داده شدند و همگی علامت‌گذاری شدند. به این صورت یک شبکه مفهومی یکپارچه میان این مفاهیم به دست آمد. سپس این شبکه مفاهیم به‌دست‌آمده به‌وسیله ۲۷ نوع کد مختلف در سه سطح طبقه‌بندی و ۹۰۰ بار برچسب زنی شدند تا در آخرین طبقه –که بیشترین سطح انتزاعی‌سازی را داشت- پژوهش به هدف خود یعنی شناسایی چندین

1. Prescriptive

مدل توصیفی-تحلیلی از رفتار انسان دسترسی پیدا کرد؛ و مدل تصمیم‌گیری ضدّعقلایی یکی از همین مدل‌های رفتاری به دست آمده است.

لازم به توجه است که در روال کلی این بررسی‌ها، بارها به منابع لغت شناسی تخصصی قرآنی و معتبر در ادبیات عرب رجوع شد. مثلاً بارها از مجموعه شناخته شده لغت‌شناسی «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم» نوشته علامه حسن مصطفوی استفاده شد؛ یعنی رویکرد این بود که به ترجمه ساده یک لغت اکتفا نشود و برای فهم آن لغت، ریشه‌ای و مادّه لغت مورد دقت قرار بگیرند و به ترجمه‌های رایج تکیه نشود. همچنین جهت کنترل اعتبار مطالب به دست آمده –نه جهت استفاده مستقیم- به نظرات دانشمندان معتبر در تفسیر قرآن کریم توجه شده است؛ یعنی اهتمام بر این بود که یافته های قرآنی علاوه بر این که بدیع هستند اما مخالفت معتبری در نظرات مفسرین با آن‌ها وجود نداشته باشد.

نمونه‌ای از برگه‌های یادداشت که چگونگی انجام تجزیه و تحلیل مستند مبتنی بر روش تحلیل محتوای کیفی در متن قرآن را در خود دارد در شکل زیر مشاهده می‌شود. در این برگه یادداشت مواردی همچون نحوه طبقه‌بندی، تجزیه و تحلیل، استناددهی، سازماندهی مفاهیم، ارجاعات متقابل بین مفاهیم، سطوح مختلف کدگذاری و انتزاعی‌سازی منعکس شده است:

	ردیف ۳۶ لا یَسْأَمُ الْإِنْسانُ مِنْ دُعاءِ الْخَیْرِ وَ إِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَیَؤُسٌ قَنُوطٌ ۴۹-فصّلت-۴۱ (۵۴-۴۵)
۱.	سأم دو مفهوم همزمان آزردگی (ملاله) و رنجوری (تضجّر) را دارد. (مصطفوی، ۱۴۳۰ ه. ق، ج۵، ص ۱۰).
۲.	سیری ناپذیری و شدت مطلوبیت طلبی: انسان همیشه نسبت به طلب خیر (مطلوبیت) انگیزه دارد. او هیچ وقت در طلب خیر (مطلوبیت) دلزده، دل آزرده وبی انگیزه نمی‌شود. این شدّت و سیری ناپذیری انسان را در مطلوبیت طلبی می‌رساند. (لا یسأم) (مرتبط با ۳۶-۱۰) (مطلوبیت طلبی انسان-و انّه لحبّ الخیر لشدید: ۲-۷)
۳.	اگر انسان احساس کند که نامطلوب به او رسیده (و ان مسّه الشّرُّ) دیگر انتظار دریافت خیری را ندارد و بی توقع می‌شود (یئوس) و اصلاً ناامید می‌شود. (قنوط) (مرتبط با نکته ۳۶-۱۰: وجود ارتباط با مدل ردیف قبل که البته در همین رکوع و سیاق است) (مفهوم مرتبط در مدل رفتاری ۲۵-۷) (مرتبط با ۳۶- ۱۵: حساسیت به نامطلوب)
۴.	یأس یعنی انتظار نداشتن مثلاً در قرآن می‌گوید و اللائی یئسن من المحیض من نسائکم (زنانی که دیگر انتظار حیض شدن ندارند) (مصطفوی، ۱۴۳۰ ه. ق، ج۱۴، ص ۸) یکی از نکات جالب یأس ناظر به آینده بودن آن است. یعنی دیگر در آینده نکته مثبتی را نمی‌بینند.
۵.	قنط یعنی نومید شدن (مصطفوی، ۱۴۳۰ ه. ق، ج۹، ص ۳۶۱)
۶.	انتساب یا تملّک تمامی مطلوبیت: انسان تمایل دارد که مطلوبیت‌هایش را تمام کمال به دست آورد (لایسأم الانسان من دعاء الخیر) و این میل در هنگام سود پس از ضرر قبلی تشدید می‌شود. اگر انسان پس از آن که

برگه‌های یادداشت که چگونگی انجام تجزیه و تحلیل مستند مبتنی بر روش تحلیل محتوای کیفی در متن قرآن را در خود دارد در شکل زیر مشاهده می‌شود. در این برگه یادداشت مواردی همچون نحوه طبقه‌بندی، تجزیه و تحلیل، استناددهی، سازماندهی مفاهیم، ارجاعات متقابل بین مفاهیم، سطوح مختلف کدگذاری و انتزاعی‌سازی منعکس شده است:

نمونه بررسی‌های مستندسازی شده در فرایند تحقیق[1]

به بیان رسمی‌تر، اعتبار علمی این پژوهش مبتنی بر معیارهای روش های تحقیق کیفی حاصل می‌شود. بدین صورت که این پژوهش چون مبتنی بر روش تحلیل محتوای کیفی بوده است برای

۱. این قسمتی از ده‌ها صفحه برگه یادداشتی هست که در فرایند تکمیل در طی روش تحقیق قرار داشته‌اند؛ و محتوای ذکر شده در آن نهایی نیستند؛ یعنی طبق روال پیشرفت پژوهش بر غنای مطالب به‌دست آمده اولیه افزوده شده است.

کسب قابلیت اطمینان[1] علمی در گام‌های خود باید به جنبه‌های قابلیت اعتبار[2]، قابلیت اعتماد[3] و قابلیت انتقال[4] مطلب به دیگر جاها توجه شود (زنگ و ویلدموث، ۲۰۰۹). همچنین -بیان شده که- برای اعتبار روش‌های کیفی باید شاخص‌های «باورپذیری»، «قابل دفاع بودن» -یعنی قانع‌کننده بودن علمی و «امانت‌داری» رعایت شوند (فقیهی و علیزاده، ۱۳۸۴)؛ بنابراین در کل مسیر این پژوهش تلاش شده که این جنبه‌های اعتبارساز به‌وسیله اقداماتی همچون راهکارهای زیر ایجاد شوند: ارائه آزمایش‌ها و شواهد تائید کننده علمی از نتایج به دست آمده از مدل تصمیم‌گیری ضدّعقلایی که –در ادامه و در توضیح آزمایش داوطلبان کنکور- به آن خواهیم پرداخت و در نهایت مدل ما را تائید کرد. همچنین این که این مدل رفتاری هم هماهنگی و هم توجیه‌کنندگی و نظام‌مندسازی خوبی به دستاوردهای علمی گذشته خود می‌دهد. برای این که مطمئن شویم مسیر انجام پژوهش ما نیز از اعتبار علمی کافی برخوردار بوده به اقدامات زیر اهتمام ورزیده شد: انجام یک پژوهش مستقل مقدماتی در قرآن کریم برای یافتن کلیدواژه‌های مناسب ورود به تحقیق در روش تحلیل محتوا این کلیدواژه‌ها نقش اصلی را ایفا می‌کنند، انجام پژوهشی مفصل برای یافتن ساختار استاندارد و علمی مدل‌های توصیفی رفتار انسان، استفاده از تعداد زیاد و قابل قبول کلیدواژه و آیات بررسی شده (۸۱۴ آیه مورد بررسی قرار گرفته‌اند)، انطباق نکات به دست آمده از متن قرآن کریم با منابع متعدد و معتبر تفسیری، ارائه نتایج تحقیق و اخذ نظرات تعداد زیادی از کارشناسان مرتبط در زمینه‌های تخصصی معارف اسلامی، مدیریت، اقتصاد و روانشناسی[5]، دقت در انتخاب واحدهای معنای تحلیل در روش تحلیل محتوا بر اساس تعیین رکوعات قرآنی (آیاتی که به صورت دسته‌ای و با هم نازل شده بودند همه در حوزه تحلیل این پژوهش قرار می‌گرفتند)، استفاده از نرم‌افزارهای مربوطه و تسلط به روش تحقیق؛ و در نهایت سازگاری‌سنجی میان مدل به دست آمده با داده‌های علمی و هم‌چنین نظریه‌های مرتبط پیشین.

1. Trustworthiness
2. Credibility
3. Dependability
4. Transferability

۵. در داخل و خارج از کشور.

یافته‌های پژوهش

چگونگی انتخاب گزینه‌ها

پیش از بررسی محتوای آیات به این نکته توجه شود که در اینجا منظور از عقلانیت همان معادل «Rationality» بوده و به معنای عقل محاسبه‌گر و ابزاری برای نیل به هدف می‌باشد. از همین رو میزان عقلانیت یک فرد را از طریق میزان نیل به اهدافش می‌سنجند. «یعنی هرکس هرچه قدر ابزارهای به خدمت گرفته و نوع فعالیت‌هایش بیشتر منجر به اهداف و مطلوبیت‌هایش بشود رفتار عقلایی بیشتری داشته است». این نوع از عقلانیت با عقل جوهری تفاوت دارد و نباید خلط گردد (کالبرگ، ۱۹۸۰)؛ یعنی عقلانیت ابزاری یک اصطلاح تخصصی و دارای تعریفی مخصوص به خود است و اگر کسی در رفتارش عقلانیت ابزاری وجود ندارد لزوماً به معنای مجنون بودن او نیست. به صورت مشخص قرآن کریم به بررسی «چنین مفهومی از» عقلانیت ابزاری در انسان‌ها پرداخته است؛ یعنی حالات و شرایطی را در ایشان بیان می‌کند که –تحت تأثیر آن حالات– دارای رفتارهایی با ویژگی عدم عقلانیت ابزاری می‌شوند. آیه ۱۱ سوره مبارکه اسراء می‌فرماید: «وَ یدْعُ الْإِنْسانُ بِالشَّرِّ دُعاءَهُ بِالْخَیرِ وَ کانَ الْإِنْسانُ عَجُولا». با توجه به این که واو ذکر شده در جمله «وَ» کانَ الْإِنْسانُ عَجُولا –اصطلاحا– واو حالیه می‌باشد، مفهوم آیه این گونه می‌شود: و انسان‌ها اگر در حالت عجله قرار بگیرند، اگرچه به دنبال به دست آوردن مطلوب‌هایشان هستند ولی آن گونه‌ای رفتار می‌کنند که به نامطلوب هایشان برسند. در این جا قرآن کریم به صراحت به مفهوم عدم عقلانیت ابزاری –طبق تعریف خود و تفاوتی که با عقلانیت جوهری دارد– و همچنین نقش کلیدی متغیر «عجله» در بروز این نوع رفتار پرداخته است. از آنجایی که از نگاه قرآن متغیر کلیدی در شکل گیری این مدل رفتاری «عجله» است؛ برای فهم مدل لازم است ابعاد و مفهوم عجله را با دقت بیشتری فهم کنیم.

عجله یعنی این که امری را در زمانی کمتر از زمان طبیعی خود مطالبه کردن (مصطفوی، ۱۴۳۰ ه. ق، ج ۸، ص، ۴۲) و در قرآن کریم ۴۷ بار این عجله و مشتقّاتش آمده است. برخی از این موارد در قرآن کریم، مستقیماً مربوط به رفتار انسان می‌باشد. قرآن کریم ویژگی‌های رفتاری زیادی را به انسان نسبت می‌دهد و در میان آن ها می‌فرماید که انسان عجول است. امّا آنچه که ویژگی عجله را

از بقیه متمایز می‌کند این است که عجله جزء موارد معدودی از حالات انسانی است که طبق بیان قرآن کریم بر رفتار انسان تأثیر مستقیم و علّی داشته و حتّی آن را موثّر در سرنوشت او موثّر می‌داند.

در اهمیت تأثیر عجله بر رفتار انسان می‌توان به آیه ۱۳ سوره مبارکه اسراء توجه نمود. تنها آیه‌ای که مستقیماً با لفظ «انسان» -بجای «الانسان»- به تحلیل چگونگی رابطه سرنوشت انسان‌ها و رفتارشان می‌پردازد. این آیه پس از دو آیه قبلی‌اش (آیه‌های ۱۱ و ۱۲) آمده که در آن‌ها موضوع بحث، عجله انسان و تأثیر آن بوده است. سپس در آیه ۱۳ نتیجه می‌گیرد که انسان‌ها، خودشان هرگونه که رفتار کنند سرنوشت خودشان را رقم زده‌اند (وَ کلَّ إنسانٍ أَلْزَمْناهُ طائِرَهُ فی عُنُقِه). «فی عنقه» یک تعبیر استعاره‌ای بوده و به معنای آن است که زمام امور انسان و این که چه چیزی را انتخاب کند یا چه رفتاری داشته باشد در دست خود او و به اختیار خودش است. همچنین «طائر» به معنای سرنوشت است. از این رو، این آیه که در ادامه بحث تأثیر عجله در رفتار انسان قرار دارد توضیح می‌دهد که این انسان است که خودش انتخاب می‌کند (فی عنقه) که چه سرنوشتی داشته باشد (الزمناه طائره) (طباطبایی، ۱۳۷۴ ه. ش، ج ۱۳، ص ۷۳). قرآن کریم این نکته سرنوشت‌ساز انسان را در فضای تحلیل رفتار عجله‌ای انسان ذکر نموده است؛ بنابراین این نکته قابل تأمّل است که بررسی شود از نظر قرآن کریم میان عجله و انتخاب گزینه‌های رفتاری چه ارتباطی وجود دارد.

علاوه بر نکته‌های فوق، مشاهده می‌شود که قرآن کریم تأکید کم سابقه دیگری نیز بر حالت عجله در انسان می‌کند. این که حالت عجله در انسان امری ذاتی بوده و انسان از اساس خلقتش، تمایل به عجله دارد. این نکته ایست که آیه ۳۷ سوره انبیا بر آن تصریح دارد: «خُلِقَ الانسان من عجل»: انسان از عجله خلق شده. این عبارت قرآنی اصطلاحاً «اطلاق» دارد و برای همه شرایط است؛ یعنی انسان‌ها یک تمایل اساسی و عمومی دارند که پدیده‌ها در محدوده زمانی کمتری اتفاق بیافتند. به همین دلیل مشاهده می‌شود که انسان اشتیاق و سوگیری شدیدی به سمت چیزهایی دارد که در زمان کمتری اتفاق می‌افتند؛ و این را در آیه ۲۰ سوره قیامت این گونه تصریح می‌کند (کلا بل تحبّون العاجله). حبّ به معنای اشتیاق و تمایل شدید است (مصطفوی، ۱۴۳۰ ه. ق، ج ۲، ص ۱۷۸). حبّ را قرآن کریم در مورد مطلوبیت‌های انسان ذکر کرده، به این صورت که انسان در

کسب مطلوبیت‌هایش چه بسیار مشتاق است (وَ إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيد[1])؛ و در این جا همین حبّ را برای عجله ذکر می‌کند؛ بنابراین اشتیاق انسان به عجله همانند دیگر مطلوبیت‌هایش بوده و برای او مستقلّا موضوعیت دارد. در اینجا توجه شود که عاجله -که در بالا در آیه ۲۰ سوره قیامت آمده- یعنی آن پدیده ای که در زمانی کم و فشرده اتفاق بیافتد. طبق آیه ۲۱ سوره قیامت می‌توان نتیجه گرفت که عاجله یعنی آن گزینه‌ای که سریع‌تر اتفاق می‌افتد؛ زیرا انسان اختیار دارد و بقیه گزینه‌های غیر سریع را انتخاب نمی‌کند[2] (وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ). آخره با «تأخیر» هم ریشه بوده و در اصل به معنای غیرمقدّم بودن است. از این رو «تَذَرُونَ الْآخِرَةَ» به معنای انتخاب نکردن گزینه‌های عقب‌تر می‌باشد (مصطفوی، ۱۴۳۰ ه. ق، ج۱، ص ۴۸). البته یکی از مهم‌ترین مصادیق عاجله که انسان که معمولاً مورد مطالبه اوست، امور زندگی دنیاست؛ زیرا انسان در این دنیاست و آن را در حال حاضر مشاهده می‌کند و قیامت را امری دور می‌پندارد[3] (إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدا[4]). به همین دلیل اکثر مفسّرین از جمله علامه طباطبایی بیان می‌کنند که بهترین مصداق عاجله، دنیاست و به همین ترتیب، از مهم‌ترین مصادیق آخره در آیه ۲۱، چون که قبلی را به دنیا تعبیر نموده‌اند قیامت می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴ ه. ش، ج ۲۰، ص ۱۷۷).

درنتیجه، عجله از سوگیری‌های مهم انسان در هنگام انتخاب گزینه‌های رفتاری است که می‌تواند این حالت انسانی تأثیر سرنوشت سازی در مسیر و رفتار انسان‌ها بگذارد؛ و چون قرآن کریم کتاب هدایت انسان‌ها به سوی خوبی‌هاست انسان را نسبت به این نقطه سرنوشت‌ساز و اهرمی در رفتارش آگاه می‌نماید. قرآن کریم می‌فرماید که تحقق سریع پیامدها و بازخوردها صرفاً یک راه انسانی رسیدن به مطلوبیت‌ها نیست و خودش یک مطلوبیت مستقل برای انسان دارد، به گونه‌ای که علاقه انسان به عجله ذاتی می‌باشد. از این رو انسان‌ها در میان گزینه‌ها، گزینه‌های با نتایج و بازخورهای سریع‌تر را بر دیگر گزینه‌ها ترجیح می‌دهند و در محاسباتشان برای گزینه‌های با نتایج سریع ارزشی زیادی همانند نیل به مطلوبیت قائل می‌شوند.

۱.سوره عادیات، آیه ۸

۲. نیز: آلوسی، ۱۴۱۵، ج۱۵، ص ۱۵۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷ ه.ق، ج۴، ص ۶۶۲؛ شوکانی، ۱۴۱۴ ه.ق، ج۵، ص ۴۰۷؛ مراغی، بی‌تا ج۲۹، ص ۱۵۲؛ بیضاوی ۱۴۱۸ ه.ق، ج۵، ص ۲۶۷.

۳. فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ه.ق، ج۵، ص ۲۵۶.

۴. سوره معارج، آیه ۶.

تأثیر فشار زمانی بر دستاوردها

قرآن کریم در رابطه با تأثیر انتخاب گزینه‌های سریع‌تر، یک سنّت جاری در جهان را معرفی می‌کند. این سنّت بدین صورت است: هر کس گزینه‌هایی با نتایج سریع‌تر را بخواهد، از لحاظ سریع بودن نتیجه، خواسته‌اش محقق می‌شود؛ امّا لزوماً نتایجی که به دست می‌آیند کیفیت مورد انتظار را نخواهند داشت و در اثر عجله امکان افت کیفیت در نتایج وجود دارد. این نکته در ضمن آیه ۱۸ سوره اسراء بیان شده است: «مَنْ کانَ یریدُ الْعاجِلَةَ عَجَّلْنا لَهُ فیها ما نَشاءُ لِمَنْ نُریدُ».

علامه طباطبایی می‌فرماید: نسبت به میزان تمایل افراد، نتایج با سرعت بیشتری بروز خواهند کرد (عجّلنا له فیها) ولی در ادامه آیه فرموده: «هرقدر از آن نتیجه را برای هر کس که بخواهیم اعطا می‌کنیم» (ما نشاء لمن نرید) بنابراین نتیجه به دست آمده ممکن است با کیفیتی کمتر محقق شود (طباطبایی، ۱۳۷۴ ه. ش، ج ۱۳، ص، ۸۷).

ادامه این آیه نیز این نکته را تأیید کرده و می‌فرماید کسانی که عجله کرده و گزینه سریع‌تر را انتخاب می‌کنند طبق سنّت خداوند در جهان، از لحاظ گزینه زودتر به نتیجه خواهند رسید (کلاًّ نُمِدُّ هؤُلاء[1]). قرآن کریم این نکته را در فضای دنیا طلبی انسان بیان کرده و اگر به مجموعه آیه‌هایی (همچون آیه ۱ سوره نحل و آیه ۳۷ سوره انبیاء) که به بحث عجله انسان می‌پردازند توجه شود، توصیه‌شان بر اجتناب انسان از عجله است (فلا تستعجلون)؛ زیرا همان‌گونه که گذشت به هر میزان که عجله شود «امکان افت مطلوبیت در نتایج نهایی» بیشتر می‌شود؛ حتّی در چیزهایی که بسیار با برکت هستند مانند قرآن.

بسیار جالب است که آیه‌های ۱۶ تا ۱۹ سوره قیامت سفارش می‌کنند که در موضوع قرآن هم باید بگذارید فرآیند لازم طی شود و در آن عجله نشود: «لا تُحَرِّک بِهِ لِسانَک لِتَعْجَلَ بِهِ. إِنَّ عَلَینا جَمْعَهُ وَ قُرْآنَهُ. فَإِذا قَرَأْناهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ. ثُمَّ إِنَّ عَلَینا بَیانَهُ» و سپس در ادامه همان بیان و در آیات ۲۰ و ۲۱ می‌فرماید که انسان‌ها عجله پسند هستند و به عجله در رفتار و تصمیم‌های خود سوگیری دارند: «کلاَّ بَلْ تُحِبُّونَ الْعاجِلَةَ. وَ تَذَرُونَ الْآخِرَةَ» (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۶، ص، ۱۱۳؛آلوسی، ج ۱۵، ص، ۱۵۸)؛ یعنی در تعلیم قرآن هم عجله تأثیر نامطلوب در نتیجه می‌گذارد و باید یک پختگی خاصّی در فرآیند آن ایجاد شود؛ همانطور که در آیه ۱۱۴ سوره طه می‌فرماید: «وَ لا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ

۱. سوره اسراء آیه ۲۰.

أنْ یُقْضی إلَیْکَ وَحْیُه». در آیه‌های متعدّد دیگر قرآن کریم هم نتیجه عجله در امور را نـامطلوب و حتّی هولناک ترسیم نموده است. مثلاً، آیه ۱۴ سوره ذاریـات (ذُوقُـوا فِتْنَـتَکمْ هـذَا الَّـذی کنْـتُمْ بِـهِ تَسْتَعْجِلُون)، آیه ۷۲ سوره نمل (قُلْ عَسی أنْ یَکـونَ رَدِفَ لَکـمْ بَعْـضُ الَّـذی تَسْـتَعْجِلُون)، آیـه ۵۱ سوره یونس (أ ثُمَّ إذا ما وَقَعَ آمَنْتُمْ بِهِ آلْآنَ وَ قَدْ کنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُون)، آیه ۵۸ سوره انعام (قُلْ لَـوْ أنَّ عِنْدی ما تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِیَ الْأَمْرُ بَیْنی وَ بَیْنَکمْ وَ اللَّهُ أعْلَمُ بِالظَّالِمین) و مانند آن. مـی‌تـوان مفهـوم دقیق‌تر کلمه عجله را درک نمود؛ عجله صرفاً به معنای زمان سریع‌تر نیست، بلکه به معنـای اِعمـال فشار به‌وسیله زمان است؛ یعنی چیزی بـدون آن کـه فرآینـدش کامـل طـی شـود و پـیش از موعـد طبیعی‌اش تحقق یابد؛ و مطالبه چنین چیزی از سوی انسان که موجودی ضعیف در این عالم اسـت منجر به نقـص آن چیـز مـی‌شـود (مصـطفوی، ۱۴۳۰ ه. ق، ج ۸، ص ۴۲). پـس همـواره در مفهـوم عجله، فشار زمانی را باید مدّ نظر گرفت.

کلّیت این آیه‌ها تأثیر نامطلوب عجله در نتایج کـار را نشـان مـی‌دهنـد ولـی قاعـده عمـومی و تصریح شده قرآنی در این نکته را آیه ۱۱ سوره اسراء –به همراه توجه به آیه‌های بعدی تـا آیـه ۲۲ که در محوریت بحث عجله قرار دارند– بیان می‌کنـد. آیـه ۱۱ مـی‌فرمایـد: «وَ یـدْعُ الْإنْسـانُ بِالشَّـرِّ دُعاءَهُ بِالْخَیرِ وَ کانَ الْإنْسانُ عَجُولا». این آیه مفاهیم اصـلی در تـأثیر عجلـه بـر رفتـار انسـان را بیـان می‌فرماید. طبق این آیه انسان به دنبال مطلوبیتش است و برای نیل به این مطلوبیت است کـه عجلـه می‌کند (دُعاءَهُ بِالْخَیرِ وَ کانَ الْإنْسانُ عَجُولا) اما این عجله انسان در طلب مطلوبیت لزومـاً بـه نتیجـه مطلوب نمی‌رسد و حتّی بدتر آن‌که به نتایج نامطلوب منتهی می‌شود؛ یعنی انسان به دست خـودش و با اقداماتش، عملاً به دنبال نامطلوب‌هایش می‌رود (وَ یدْعُ الْإنْسـانُ بِالشَّـرِّ دُعـاءَهُ بِـالْخَیرِ). علامـه مصطفوی نیز در بررسی کلیت آیه‌ها این نتیجه را می‌گیرد که در ادبیات قرآن کریم عجله در کـل مذموم است؛ چه با نیت خیر باشد و چه با نیت شر و چه در کار خوب و چه در کار مکروه استفاده شود (مصطفوی، ۱۴۳۰ ه. ق، ج ۸ ص ۴۹).

بنابراین در یک جمع‌بندی کلی از مطالب بیان شده می‌توان فهمید که انسـان بـرای رسـیدن بـه مطلوبیت تصمیم به اقداماتی می‌گیرد. او مجموعه‌ای از گزینه‌های تصـمیم‌گیـری را پـیش رو دارد که این گزینه‌ها تعیین‌کننده نوع اقدامات و تدابیر انسان را جهـت رسـیدن بـه مطلوبیـت مـی‌باشـند. انسان در انتخاب این گزینه‌ها مختار است و در مورد نتایج هم خـودش مسـئول اسـت. البتـه قـرآن

کریم برای اخذ تصمیم بهتر، انسان را هدایت کرده است و مثلاً او را از عجله بر حذر داشته است (ر. ک. عجله و چگونگی انتخاب گزینه‌ها). طبق آیه ۱۱ سوره اسراء بیان گاهی در تصمیم‌های انسان برای رسیدن به مطلوبیت اختلالاتی پیش می‌آید که با افت مطلوبیت و حتّی بدتر از آن با نامطلوب مواجه می‌شود. عجله از علّت‌های اصلی چنین اختلالی در تصمیم‌گیری است و انسان به علّت محدودیت و فشار زمانی، ممکن است که در ارزیابی، تصمیم و یا اقدام اشتباه کند. وجود اشتباه انسان در انتخاب اقدام مناسب برای نیل مطلوبیت و یا دوری از نامطلوب، نشان‌گر وجود دو زمینه مستقل تصمیم‌گیری در مطلوبیت و نامطلوب می‌باشد. به عبارتی دیگر، اگر انسان به دنبال نیل به مطلوبیت است باید مراقب باشد که تحت فشار زمانی تصمیم‌گیری و اقدامی نکند تا بتواند در تصمیم خود برای جلوگیری از نیل به نامطلوب نیز تدبیر کند. گزینه‌های تصمیم‌گیری پیش روی انسان هم جنبه‌های مثبت برای رسیدن به مطلوبیت دارند و هم عوارض نامطلوب. فشار زمانی باعث می‌شود که انسان صرفاً به افزایش مطلوبیت خود که هدف اصلی اوست توجه کند و از ساحت نامطلوب غافل شده و «همان‌گونه که برای مطلوبیت اقدام می‌کند، در دامن نامطلوب بیافتد». این نکته همان معنای «وَ یدْعُ الْإِنْسانُ بِالشَّرِّ دُعاءَهُ بِالْخَیرِ» بر مبنای ادبیات عرب می‌باشد[1]؛ بنابراین انسان هرچه قدر بیشتر تحت فشار زمانی قرار بگیرد، احتمال این که در نتایج تصمیمات خود به نامطلوب بیشتری برسد بیشتر است. امّا یک نکته دیگر نیز از این آیه برداشت می‌شود و آن اینکه لازم است که انسان علاوه بر مطلوبیت‌هایش بر نامطلوب‌هایش هم توجه داشته باشد. آیه این نکته را اشاره می‌کند که شرایط محیطی انسان به گونه‌ای است که حتّی بی‌توجهی و عدم اقدام پیشگیرانه برای نامطلوب نیز موجب ضرر و خسران برای انسان می‌شود. این همان نکته‌ای است که سوره مبارکه عصر نیز بر آن تأکید می‌فرماید. سوره مبارکه عصر هم در مورد فشار بر انسان و تأثیر آن است. کلمه «عصر» از لحاظ ریشه لغت، در اصل به معنای فشار است و کلمه‌هایی مانند عصاره از همین ریشه می‌باشند[2]؛ و البته در معنای عصر به مفهوم زمان و زمانه نیز توجه شده است

۱.«دعاءه» منصوب علی نزع الخافض‌ای کدعائه و الجارّ متعلّق بمحذوف مفعول مطلق أی: «یدعو بالشرّ دعاء کدعائه بالخیر».

۲. ازجمله مفسرینی که هنگام تفسیر کلمه «عصر» علاوه بر مفهوم زمان، بر مفهوم فشار موجود در آن توجه و تأکید کرده‌اند می‌توان به این موارد اشاره نمود: طالقانی، ۱۳۶۲، ج۴، ص ۲۴۶؛ طوسی، بی‌تا ج۱۰، ص: ۴۰۴؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج۳۰، ص ۴۳۸.

(مصطفوی، ۱۴۳۰ ه. ق، ج ۸، ص ۱۷۷)[1]. به همین ترتیب، خُسر معادل خسران بوده و در مقابل سود می‌باشد و به معنای زیان است (مصطفوی، ۱۴۳۰ ه. ق، ج ۳، ص ۶۱)؛ بنابراین طبق آیه‌های اول و دوم سوره مبارکه عصر، اگر مفهوم ریشه‌ای در کلمه «عصر» که «فشار» است به همراه مفهوم «زمان» مورد توجه قرار گیرد، می‌توان نتیجه گرفت که از علّت های مهم زیان رسیدن به انسان، همین فشار زمانی است (والعصر. أنّ الانسان لفی خسر)؛ زیرا در این آیه هم «عصر» و هم «فی خسر» ظرفیه هستند و به دنبال هم ذکر شده‌اند؛ یعنی انسانی که در شرایط فشار زمانه قرار دارد، در واقع در شرایط زیان قرار گرفته است (عصر-لفی خسر) (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۳۰، ص ۴۳۸). آیه سوم موید نکته‌های فوق می‌باشد زیرا در همین تناسب بیان شده است. در آیه سوم سوره عصر برخی از راهکارهای مقابله با زیان را ارائه نموده است. نکته‌هایی که منجر به پیشگیری و یا درمان این فشار و زیانی می‌شود که عموم انسان‌ها را در خود قرار داده است ایمان به خدا (آمنوا)، انجام کارهای صحیح (و عملوا الصالحات)، ایجاد یک گروه و تشویق یکدیگر به حقیقت (تواصوا بالحق) ایجاد یک گروه و تشویق یکدیگر به صبر (تواصوا بالصّبر). این‌ها کسانی هستند که استثنائا در شرایط فشارهای محیطی انسان، به زیان نمی‌افتند (الّا الذین آمنوا و عملوا الصّالحات و تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصّبر). صبر یعنی خود را آرام نگه داشتن (مصطفوی، ۱۴۳۰ ه. ق، ج ۶، ص ۲۲۱)[2] و مفهومی مقابل عجله در انسان دارد. انسان به وسیله عجله موجب ایجاد فشار می‌شود و فشار باعث ضرر او می‌شود (سوره ۱۱ اسراء در بالا) و صبر در مقابله با فشار است و انسان بوسیله صبر باعث کاهش تأثیر فشار می‌شود، در نتیجه باعث کاهش زیان خودش می‌شود.ایمان نیز همین تأثیر را دارد. چون «آمنوا» با مصدر «ایمان» از ریشه «امن» می‌آید و «امنیت» نیز از مشتقّات آن بوده و به معنای رفع نگرانی و اضطراب است. به همین دلیل به کسی که به خدا ایمان آورده و خود را در سپر امن الهی محافظت نموده «مؤمن» می‌گویند (مصطفوی، ۱۴۳۰ ه. ق، ج ۱، ص، ۱۶۵).

در تشخیص رخ دادنِ عجله، توجه به این نکته ظریف بسیار ضروری است که در این نگاه قرآنی هر تصمیم سریعی –مثلاً تصمیماتی که باید به موقع و در شرایط بحرانی گرفته شوند- لزوماً

---

۱. أنّ الأصل الواحد فی المادّة: هو ضغط فی شیء لتحصیل نتیجة منظورة. کما فی عَصْرِ العنب لاستحصال مائه؛ و عصر اللباس المغسول لإخراج رطوبته؛ و عصر الدمّل لیخرج قیمه. و عَصْرِ المال من شخص لاستخراج غرامة أو غیرها.

۲. أنّ الأصل الواحد فی هذه المادّة: حفظ النفس عن الاضطراب و الجزع بالسکون و الطمأنینة

معادل تصمیم از سر عجله نیست؛ و در مقابل برخی تصمیم‌های به نسبت کُندی هم وجود دارند که ممکن است-علیرغم طی شدن زمان چند روزه یا چندماهه- همچنان آن‌ها را تصمیم‌گیری عجولانه بدانیم. از نگاه قرآن کریم آن چیزی که تصمیم را عجولانه و دارای نتایج نامطلوب می‌کند متغیر «فشار نسبی زمانی» است؛ یعنی هر رخدادی نیازمند زمانی اختصاصی و طبیعی برای سیر تکامل و بلوغ خود است؛ و مثلاً اگر رخدادی یک ماه فرآیند طبیعی آن طول می‌کشد و ما به‌وسیله اعمال فشار بر روند تکامل تدریجی آن بخواهیم در عرض یک هفته در مورد آن تصمیم‌گیری و حصول نتیجه نهایی داشته باشیم، همین تصمیم‌گیری یک هفته‌ای نیز نوعی از عجله برای آن رخداد خاص محسوب می‌شود؛ و به همین خاطر است که در فرآیند نزول قرآن سفارش به عدم عجله تا اتمام کامل فرآیند می‌کند (وَ لا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضى إِلَيْكَ وَحْيُه)

مدل ترسیمی

در مدل تصمیم‌گیری ضدّعقلایی دقت شود که متغیر اصلی بازیگر، «فشار زمانی» است و نه تسریع زمان یا محدودیت زمانی. البته تمایل به سرعت در انجام کاری یا وجود محدودیت زمانی معمولاً به فشار زمانی منجر می‌شوند. فشار زمانی معادل میزان زمان تخصیص داده شده برای بررسی، تصمیم و اقدام برای هر گزینه تصمیم‌گیری می‌باشد؛ بنابراین هرچه انسان محدودیت زمانی بیشتری داشته باشد زمان کمتری برای ارزیابی و تصمیم‌گیری گزینه‌های اقدام در اختیار داشته و فشار زمانی بیشتری را تحمل می‌کند. طبق مجموع نکاتی که از قرآن کریم بیان شد، نمودار ۱ تأثیر شرایط فشار زمانی در چگونگی تصمیم‌گیری انسان را نشان می‌دهد.

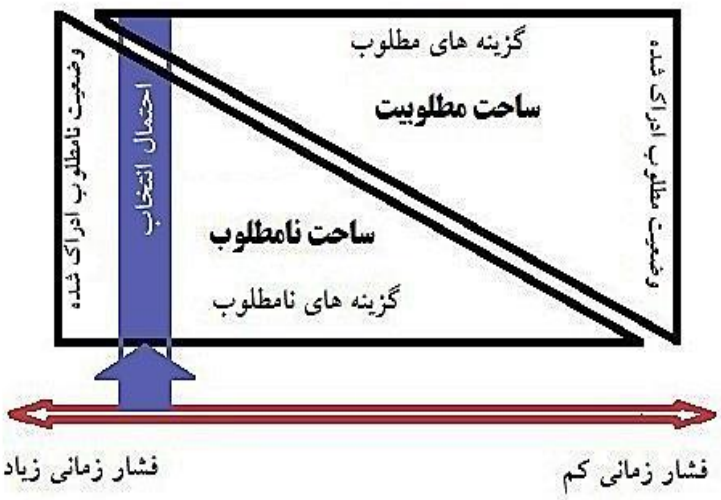

شکل ۳. مدل تصمیم‌گیری ضدّعقلایی

همان‌گونه که در شکل ۳ مشاهده می‌شود، مدل تصمیم‌گیری ضدّعقلایی به دو ساحت مجزای مطلوبیت-نامطلوب توجه کرده[1] و در آن چگونگی تصمیم‌گیری بر اساس میزان فشار زمانی که تصمیم‌گیرنده تحمّل می‌کند بیان می‌شود. در این نمودار نشان داده می‌شود که هرقدر فشار زمانی بیشتر باشد، احتمال این که در تصمیم‌های گرفته شده عوارض و پیامدهای نامطلوب وجود داشته باشند بیشتر است. در این جا فشار زمانی به عنوان علّت کیفیت تصمیم‌گیری نشان داده شده و همچنین بیان می‌شود که چگونه فشار زمانی می‌تواند انسان را به وضعیت نامطلوب سوق دهد (ر. ک. تأثیر سرنوشت‌ساز فشار زمانی بر رفتار). به همین دلیل در آیه‌های مختلف الهی توصیه شده که از عجله اجتناب شود و انسان بهتر است صبر کند تا بدین وسیله از فشار و عوارض نامطلوب تصمیم‌گیری‌ها در امان باشد (ر. ک. به بحث پیش ذیل عبارات «فلا تستعجلون» و «صبر»). همچنین در این نمودار به روشنی میان نامطلوب و فقدان مطلوبیت تفاوت قائل شده است (ر. ک. دو دوساحت مطلوبیت و نامطلوب)؛ و البته هم‌زمان نشان می‌دهد که نامطلوب و عدم مطلوبیت در عین تفاوت‌هایی که دارند، هردو معلول فشار زمانی بوده و از این لحاظ به یکدیگر نزدیک‌اند. این بدین معناست که تصمیم‌گیری در شرایط فشار صرفاً پیامدهایی غیرمطلوب به همراه دارد؛ زیرا یا

۱. در همین راستا، یکی از مدل های رفتاری انسان که از متن قرآن کریم استخراج می‌شود، مدل دو ساحتی مطلوبیت-نامطلوب است که در آن مدل به تأثیر مجزای مطلوبیت و نامطلوب ادراک شده از سوی انسان بر رفتار او می‌پردازد.

گزینه‌هایی انتخاب می‌شوند که پیامدهای نامطلوبی برای انسان دارند (که این حالت در شرایط فشار بسیار زیاد محتمل‌تر است) و یا این که گزینه‌هایی انتخاب می‌شوند که دارای پیامدهای مطلوب کمی هستند. پس در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که تصمیم‌گیری در شرایط فشار به احتمال زیاد پیامد مطلوب نخواهد داشت. آنچه که تاکنون مورد تصوّر عمومی بوده است این است که فشار زمانی حداکثر منجر به کاهش کیفیت مطلوبیت در تصمیم‌گیری‌های افراد می‌شود. این مدل مبتنی بر بیانات قرآن کریم چنین تصوّری را تأیید می‌کند و به آن نکته مهم و جدیدی را می‌افزاید؛ و آن این که تأثیر اصلی فشار زمانی بیشتر در «انتخاب‌های نامطلوب» قابل مشاهده است. شواهد تجربی قابل اعتنایی در تأیید و درک بهتر این پدیده در رفتار انسان وجود دارد که در بخش منظر مدیریتی و کاربردی به آن پرداخته می‌شود.

نتیجه‌گیری

مدل تصمیم‌گیری ضدّعقلایی بیان می‌کند که از نتایج یک پروسه عقلایی تصمیم‌گیری لزوماً تصمیماتی کاملاً مطلوب یا به اندازه کافی و نسبتاً مطلوب نیست. بلکه یک تصمیم‌گیرنده عاقل (از لحاظ عقلانیت جوهری) ممکن است در شرایطی تصمیم‌گیری ضدّعقلایی (از لحاظ عقلانیت ابزاری) نیز داشته باشد؛ یعنی نتایجی کاملاً نامطلوب و برضدّمنافع از فرآیند تصمیم‌گیری اندیشیده شده خود به دست آورد؛ و در این حالت آن چه میزان مطلوبیت نتایج را پیش‌بینی می‌کند میزان منطقی و اندیشیده شده بودن فرآیند تصمیم‌گیری نیست؛ بلکه ادراکی که فرد از شرایط نامطلوب و تحت فشار برخود احساس می‌کند پیش‌بینی کننده دقیق‌تری از نتایج احتمالی تصمیمات اوست.

پژوهش حاضر در مورد تصمیم‌گیری ضدّ عقلایی از چندین منظر امتیازات ویژه‌ای دارد. اول اینکه به جنبه‌هایی از یک موضوع مهم و موردچالش علمی پرداخته که در زندگی جاری انسان‌ها نیز بسیار مورد ابتلا می‌باشد. دوم آنکه این پژوهش توانسته از بند محدودیت‌های مورد شکایت پژوهشگران –در مورد دشوار بودن مدل کردن رفتار انسان با ابزارهای در دسترس- رهایی یافته و با استفاده از منبع الهی قرآن کریم در مورد آن گزاره‌ها و فرضیه‌پردازی‌های جدیدی مطرح نماید؛ یعنی توسعه جدیدی ارائه نموده است. سوم اینکه رویکرد خاصی از علوم انسانی-اسلامی را ترویج و الگوپردازی می‌کند. اینکه بجای تمرکز بر نقد مفروضات و رویکردهای غربی به ارائه مدل و

راه‌حلی متفاوت و جدید از نگاهی متفاوت و جدید (نگاه قرآنی) پرداخته است؛ و در نتیجه بجای رویکرد سلبی و منفعلانه رویکرد فعال و ایجابی دارد. باور داریم که درصورت ارائه پژوهش‌هایی مفید و کاربردی با رویکرد فعال، خودبه‌خود چنین بهره‌برداری‌هایی از متن قرآن کریم مورد توجه و استقبال قرار خواهد گرفت. چهارم آنکه برای شناسایی و کشف مدل‌های رفتاری میان متن قرآن کریم حداکثر تلاش برای رعایت موازین علمی و اعتبار سنجی رعایت شده است؛ یعنی هم از ابزاری تخصصی برای جستجو استفاده کرده (روش تحلیل محتوای کیفی انطباق یافته با متن قرآن کریم) و هم از دستاوردهای اولیه خود را با شاخص نوعِ ایده‌آل مدل‌های رفتاری محک زده است. در همین راستا و برای اینکه اعتبار مدل به دست آمده افزایش یابد سازگاری این مدل هم از لحاظ ساختاری، هم از لحاظ داده‌های آزمون پژوهشی که در گذشته منتشر شده و هم از لحاظ هماهنگی با دیگر نظریه‌های مرتبط سنجیده شده است. در ادامه به نتایج این سازگاری از این سه منظر می‌پردازیم.

سازگاری مدل ضدّعقلایی با چارچوب علمی مدل‌های رفتاری (نوع ایده‌آل)

بیان شد که یکی از جنبه‌های اعتبار بخش یک مدل رفتاری سازگاری و انطباق آن با ساختار و شاخص‌های استاندارد مدل‌های رفتاری (نوع ایده‌آل بیان شده در شکل ۱ و ۲) هست. مدل عقلانیت محدود در فشار زمان به دنبال ارائه یک مدل توصیفی از رفتار انسان هاست. به این معنا که در تحلیل آن در مورد عموم انسان‌ها صحبت شده و رفتاری را از انسان‌ها تحلیل می‌کند که معمولاً انجام خواهند داد. در این مدل همچنین حالات درونی و شرایط محیطی که علّت انجام آن رفتار می‌باشند مشخص شده‌اند؛ بنابراین زیرساخت‌های لازم مهیاست و می‌توان مدل عقلانیت محدود در فشار زمان را مبتنی بر چهارچوب نوع ایده‌آل مدل‌های توصیفی رفتار انسان بازنویسی نمود؛ که در جدول زیر شان داده شده است[1].

امکان بازنویسی این مدل در قالب این جدول بر اعتبار آن می‌افزاید (ر.ک. مبانی نظری پژوهش؛ مدل‌های توصیفی رفتاری).

۱. ر.ک. ادبیات نظری؛ نوع ایده‌آل مدل توصیفی رفتار انسان در همین نوشتار.

نوعِ ایده‌آل مدل تصمیم‌گیری ضدّعقلایی

HUMAN (s) Usually	Because of situations (X)	Behave as (Y)
انسان معمولاً	به علّت X (شرایط و حالات مشخص شده)	رفتار مشخص Y دارد
انسان معمولاً	انسان نتایج سریع را بیشتر می‌پسندد و گزینه‌هایی که نتایج و بازخوردهای سریع‌تری دارند را بر دیگر گزینه‌ها ترجیح می‌دهد، به گونه‌ای که در محاسباتش برای آن ارزشی همچون مطلوبیت قائل می‌شود. انسان برای نیل به مطلوبیت‌های خود تلاش می‌کند و از مهم‌ترین جلوه‌های تلاش او، عجله است. همچنین، انسان سیستم تصمیم‌گیری دو ساحتی دارد و جداگانه در مورد اجتناب از نامطلوب و نیل به مطلوبیت تصمیم‌گیری می‌کند. فشار زمانی که از نتایج عجله می‌باشد تأثیر مهمی در افت کلّی مطلوبیت حاصل از تصمیم‌گیری‌های انسان می‌گذارد. حتّی ممکن است چنین روندی به صورت معکوس، منجر به تصمیم‌هایی با پیامدهای نامطلوب برای انسان گردد. بنابراین انسان در شرایطی که گزینه‌هایی با پیامدهای متعدد مطلوب و نامطلوب را پیش روی خود دارد...:	برای دستیابی به مطلوبیت‌هایش از طریق گزینه‌های در دسترس عجله کرده و گزینه‌های سریع‌تر را وزن بیشتری می‌دهد. انسان هرچه فشار زمانی بیشتری برای ارزیابی گزینه‌ها تحمّل می‌کند به احتمال بیشتری گزینه‌های با پیامد نامطلوب را انتخاب می‌نماید.

سازگاری و حساسیت با دستاوردهای علمی

در این قسمت به توجیه کنندگی و سازگاری مدل ضدّعقلایی با دیگر دستاوردهای نظری می‌پردازیم. با دقت در مدل تصمیم‌گیری ضدّعقلایی متوجه می‌شویم که این مدل تکمیل کننده فهم ما از مدل شناخته شده «عقلانیت محدود در تصمیم‌گیری» و همچنین «نظریه چشم‌انداز» است؛ که هر دو توانسته‌اند جایزه نوبل اقتصاد را از آن خود کنند.

مرتبط ترین بحث موجود با مدل تصمیم‌گیری ضدّعقلایی، در ادبیات علمی اقتصاد و بحث «عدم عقلانیت کامل انسان» است. نظریاتی که بیان می‌دارند انسان به ظاهر در پی دستیابی به تحقق مطلوبیت کامل است ولی آنچه که در واقع مشاهده می‌شود این است که او به نتایجی با مطلوبیت

کمتر نائل می‌شود (سایمون، ۱۹۵۷؛ اتزیونی، ۱۹۸۵؛ قدیری اصلی و دیگران، ص ۸۲). سایمون در مدل عقلانیت محدود بیان می‌کند که طبق بررسی‌ها، انسان معمولاً به دلیل محدودیت‌های مختلفی که دارند و زمان از مهم‌ترین آن محدودیت‌هاست به مطلوبیتی پایین‌تر از مطلوبیت کامل اکتفا می‌کند. او محدودیت‌های درونی (مانند ذهن انسان و احساسات او) و محیطی (مانند زمان، گزینه‌های متعدد) را علّت آن نوع رفتار انسان می‌داند[1]؛ اما مدل تصمیم‌گیری ضدّعقلایی که در این جا بر اساس بیانات قرآن کریم معرفی شده، نکات دیگری را نیز در تبیین رفتار انسان اضافه می‌کند: مثلاً، در مدل عقلانیت محدود سایمون، «محدودیت زمانی» را محور توجه قرار می‌دهد و بر اساس آن به تحلیل رفتار انسان می‌پردازد؛ ولی در بیان قرآن کریم باید به «فشار زمانی ادراک شده از سوی انسان» توجه می‌نماید. «محدودیت زمانی» به زمان به عنوان منبعی محدود نگاه می‌کند و بیان می‌کند که انسان‌ها به دلایل مختلف تا زمان مشخصی را می‌توانند برای یک تصمیم یا اقدام هزینه نمایند. ولی مفهوم «فشار زمانی» نگاهی درونی دارد و به این معناست که اگر فردِ تصمیم‌گیرنده تصور کند که زمان کافی برای تصمیم‌گیری و اقدام صحیح را ندارد در نتیجه تلاش می‌کند تا فرآیند تصمیم‌گیری و اقدام را بدون طی برخی گام‌ها و مراحل لازم و طبیعی خود نهایی سازد که به این واکنش در ادبیات قرآنی «عجله» اطلاق می‌شود؛ بنابراین از یک لحاظ فشار زمانی با محدودیت زمانی ارتباط معناداری دارد؛ چون معمولاً محدودیت زمانی منجر به فشار زمانی می‌شود؛ ولی از سویی دیگر فشار زمانی یک حالت ادراکی روانشناختیِ درونی است که در نتیجه درک وجود فشار زمانی، انسان تمامی گام‌های لازم را طی نمی‌کند و -یا اصطلاحاً- عجله می‌کند. چنین دقتی در تفاوت مفهومی میان محدودیت زمانی و فشار زمانی لازم می‌باشد. توضیح قرآن کریم از عجله بدین صورت است که تمامی اتفاقات طبیعی جهان —حتی خلقت جهان از سوی خداوند و یا نزول قرآن بر پیامبر و یا تصمیم‌گیری برای کسب مطلوبیت و منفعت- نیازمند طی گام‌هایی بوده و فرآیندی تدریجی متناسب با خودش را می‌طلبد؛ یعنی —قاعده این است که- به منظور تحقق کامل یک نتیجه‌ی بالغ و تمام باید تمامی گام‌ها و مراحل تحقق آن نیز به صورت کامل و تمام طی شود. هنگامی که انسان خود را در ساحت نامطلوب می‌بیند، خود را

۱. برای اطلاعات بیشتر در مورد این مدل: ر.ک. سایمون، ۱۹۵۵؛ سایمون، ۱۹۵۷ a و b؛ سایمون، ۱۹۷۹؛ سایمون ۱۹۹۱؛ کاهنمن، ۲۰۰۳.

تحت فشار زمانی ادراک کرده و در نتیجه عجله می‌کند. سپس، پیامد عجله آن است که تمامی گام‌های لازم برای وقوع نتیجه‌ی کامل طی نمی‌شود و احتمال تصمیم‌گیری خطا و مضر بالا رفته و نتیجه‌ای معیوب و حتی معکوس – نسبت به هدف اولیه او- به دست می‌آید.

اشاره شد که در بیان قرآن کریم، فشار زمانی در تصمیم گیری و رفتار انسانی آن قدر تأثیر گذار است که تغییر سرنوشت افراد و حتّی سرنوشت جوامع انسانی را می‌توان از منظر تأثیر این متغیر بررسی نمود[1]. همچنین، آنچه که در مدل عقلانیت محدود بیان شده مربوط به تصمیم گیری در ساحت مطلوبیت انسان می‌باشد؛ یعنی در نظریه سایمون به این نتیجه می‌رسد که به دلیل محدودیت‌هایی مانند زمان، انسان به سطح پایین‌تری از مطلوبیت اکتفا می‌کند. این در حالی است که در بیان قرآن کریم پس از توجه به دو ساحتی بودن تصمیم‌گیری انسان (مطلوبیت یا نامطلوب)، تصمیم‌گیری ضدّعقلایی را مرتبط با ساحت نامطلوب تبیین می‌کند[2]؛ یعنی می‌گوید انسان‌ها هرچه با فشار زمانی بیشتری اقدام به تصمیم‌گیری کنند گزینه‌های نامطلوب بیشتری انتخاب می‌نمایند. یادآوری می‌شود که نامطلوبی یک گزینه یعنی پیامدهای نامطلوب در انتخاب یک گزینه.

همچنین مدل تصمیم‌گیری ضدّعقلایی با نظریه مشهور چشم‌انداز، جنبه‌های سازگار و تائید کننده‌ای دارد. در تصمیم‌گیری ضدّعقلایی، ادراک فرد علت و معیار اصلی قرار گرفتن او در شرایط نامطلوب است. همین نکته نیز در مفهوم نقطه مرجع در مدل ارائه شده از سوی کاهنمن و تورسکی موجود است (۱۹۷۳، ۱۹۷۹، ۲۰۰۰). آنها پس از مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که واقعیت خارجی نسبت به شرایط مطلوب و یا نامطلوب وجود ندارد و این ادراک نسبی انسان‌هاست که برایشان مشخص می‌کند که آن‌ها در وضعیت مطلوب یا در وضعیت نامطلوب قرار دارند؛ و متناسب با این ادراکشان واکنش‌هایی متفاوت نشان خواهند داد.

بعلاوه ادعای «مدل دوساحتی مطلوبیت و نامطلوب» نیز قابل بررسی و سازگاری‌سنجی با مدل تصمیم‌گیری ضدّعقلایی است؛ زیرا مدل دوساحتی مطلوبیت و نامطلوب بیان می‌کند دلیل اصلی

---

۱. ر.ک. تبیین قرآنی مدل، ذیل آیه «و کلّ انسان الزمناه ...» در همین نوشتار.

۲. یکی از مدل های رفتاری انسان که از متن قرآن کریم استنباط می‌شود، مدل دو ساحتی مطلوبیت-نامطلوب در رفتار انسان است که در این مدل به تأثیر مستقل ساحت مطلوبیت و نامطلوب بر انسان می‌پردازد.

رفتارهای کاملاً متفاوت انسان‌ها احساس و ادراک ایشان از شرایط مطلوب یا نامطلوب است (رضائیان و عبدالهی نیسیانی، ۱۳۹۷).

یافته‌های مدل تصمیم‌گیری ضدّعقلایی با دستاوردهای دانشی مختلف تناسب دارد و در این زمینه می‌توان به پژوهش‌های دیگری نیز که پیش‌بینی‌های مدل تصمیم‌گیری ضدّعقلایی را مورد بررسی قرار داده‌اند توجه نمود. مثلاً در دانش پویایی‌های سیستم (System Dynamics) –که ذیل تفکر سامانه‌ایی مطرح می‌شود- هنگام تحلیل چگونگی رفتار انسان‌ها در سامانه‌های اجتماعی، به صورت مفصل استدلال می‌کنند که طبق نتایج «عجله انسان» از مهم‌ترین علّت انحرافات تصمیم‌گیری و ناکارآمدی سیاست‌گذاری‌های سازمانی و عمومی می‌باشند. تا این حدّ که در بسیاری از موارد تصمیم‌هایی گرفته می‌شود که نتایج معکوسی –نسبت به هدف اولیه- در بر دارند. زیرا انسان‌ها عجول بوده و نمی‌توانند این تأخیرهای زمانی که امری بسیار رایج در طبیعت و محیط اطراف ماست را درک نمایند (دیهل و استرمن، ۱۹۹۵؛ فارستر، ۱۹۷۱)؛ و این دقیقاً نکته‌ای است تصمیم‌گیری ضدّعقلایی درصدد تبیین آن است. یا در نمونه‌ای دیگر، پیامدهای این تمایل انسان در سریع‌تر رسیدن به نتیجه مورد بررسی قرار گرفته. در تحلیل‌های مالی بیان می‌شود که قابلیت نقدشوندگی بدون تغییر اعتبار دارایی، در حقیقت همان تمایل انسانی به تحقق سریع‌تر تبدیل اعتبارات است (شارپ و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۲۱۱)؛ و این زود طلبی انسان در علم اقتصاد نیز به عنوان یک اصل رفتاری رایج پذیرفته شده است؛ و بنابراین ذیل «اصل ارجحیت زمانی» بیان می‌شود که همواره در نزد انسان‌ها «زودتر» نسبت به «دیرتر» ترجیح دارد (قدیری اصلی و دیگران، ص ۳۵۱).

سازگاری با داده‌ها و آزمون تجربی

ردپای مدل تصمیم‌گیری ضدّعقلایی را می‌توان هم در زندگی روزمره و هم در برخی آزمایش‌های انجام گرفته مشاهده نمود. مثلاً در یکی از بررسی‌های علمی منتشر شده سعی شد که به‌وسیله حجمی گسترده و قابل قبول از نمونه‌ها، نگاه مدل تصمیم‌گیری ضدّعقلایی از رفتار انسان را ارزیابی نماید[1]؛ که در نهایت پیش‌بینی‌های این مدل را در چگونگی تأثیر «فشار زمانی» بر رفتار

۱. تأکید می‌شود که واژه‌های مربوط به «عقلانیت ابزاری-Ratyionality» و ربطی به عقلانیت مورد تلقی عموم (همان عقلانیت جوهری) ندارند.

انسان تأیید نمود. این پژوهش با در نظر گرفتن فشار زمانی که یک شرکت کننده آزمون سراسری برای ورود به دانشگاه تجربه می‌کند و مقایسه آن با نتایجی که فرد در کارنامه نهایی خود به دست آورده به یافته‌های جالب توجهی رسید:

کلیه داوطلبان آزمون سراسری در مقابل مجموعه‌ای از سؤالات چهارگزینه‌ای قرار می‌گیرند و باید بهترین گزینه را در میان گزینه‌های هر سؤال انتخاب کنند؛ یعنی، در واقع داوطلبان در یک آزمون تصمیم‌گیری و انتخاب گزینه شرکت کرده‌اند. در این آزمون سؤالات مرتبط با مباحث مختلف علمی طراحی شده‌اند و نحوه نمره‌دهی به گونه‌ای تنظیم شده که افراد هرچه بیشتر گزینه‌های صحیح را انتخاب کنند، نمره بیشتری کسب می‌کنند. به‌صورت طبیعی، آزمون سراسری یک مسابقه رقابتی گسترده است که هرکس سعی می‌کند بیشترین نمره را در رقابت با دیگران به دست آورد؛ بنابراین شرکت‌کنندگان در این آزمایش تصمیم‌گیری، به دنبال حداکثرسازی مطلوبیت هستند و آن مطلوبیت این است که همگی می‌خواهند حداکثر نمره صحیح را به دست آورند. طبق تعریف عقلانیت (Rationality) افرادی توانسته‌اند کاملاً عقلایی تصمیم بگیرند توانسته‌اند به طرز بهینه‌ای با استفاده از معلومات و تحلیل‌های خود، تمامی گزینه‌های صحیح را انتخاب کرده و بیشترین نمرات ممکن را به دست آورند. چنین رفتاری متناسب با مفروض «عقلانیت کامل» در نظریه‌های اقتصاد است. همچنین افرادی هستند که به دلیل محدودیت‌هایی مانند «محدودیت زمانی» در انتخاب گزینه‌ها، سطح توقع خود را پایین‌تر آورده و با انتخاب برخی گزینه‌های صحیح (نه تمام) به نمراتی پایین‌تر —و در واقع، به دانشگاه‌هایی با درجه کیفی پایین‌تر– اکتفا می‌کنند. این‌ها کسانی هستند که نمره‌هایی میان صفر و نمره کامل به دست می‌آورند. رفتار چنین داوطلبانی نیز با مدل عقلانیت محدود سایمون قابل توجیه است (عبدالهی نیسیانی، ۲۰۱۰).

امّا بررسی کارنامه‌های آزمون سراسری، پدیده‌ای دیگر در رفتار انسان را نشان می‌دهد که با مدل‌های فوق‌الذکر قابل توجیه نمی‌باشد. در نحوه نمره‌دهی سؤالات آزمون سراسری این نکته را نیز مدنظر داشت که به انتخاب هر گزینه صحیح، امتیاز مثبت یک (۱+) داده می‌شود و در مقابل به انتخاب هر گزینه غلط، امتیاز منفی یک سوم (۱/۳–) تعلق می‌گیرد. به این وسیله تأثیر گزینه‌های انتخاب شده در اثر شانس صفر می‌شود. به عبارتی دیگر اگر همه گزینه‌هایی که ذیل سؤالات قرار دارند کاملاً اتفاقی و یا بدون محاسبه انتخاب شوند، به لحاظ علم احتمال مجموع امتیازات فرد

صفر خواهد شد؛ زیرا امید ریاضی[1] چنین رفتاری از او صفر می‌باشد. به چنین انتخاب‌های کاملاً تصادفی و شانسی، به اصطلاح گام‌های تصادفی[2] می‌گویند که به استعاره میمون دیوانه[3] (تصمیم‌گیری بدون هیچ‌گونه محاسبه و عقلانیت) نیز شناخته می‌شود. پدیده‌ای متفاوتی که در کارنامه‌ها مشاهده شد این بود که هر ساله تعداد زیادی از داوطلبین به گونه‌ای در انتخاب گزینه‌ها رفتار می‌کنند که مجموع نمره به دست آمده‌شان زیر صفر و منفی می‌شود. «یعنی آن‌ها نتیجه‌ای بدتر از انتخاب مطلقاً بر اساس شانس به دست آورده بودند». در این پژوهش شرایط برخی از این داوطلبین بررسی شد. آن‌ها اظهار می‌داشتند که در حدّ توان خود محاسبه و تلاش‌هایی را برای انتخاب بهتر گزینه‌ها وکسب نتایج بهتر اِعمال کرده‌اند و تنها علّتی که آنان را به چنین گونه رفتاری رسانده، انتخاب گزینه‌ها تحت «فشار زمانی» بوده است؛ یعنی فشار زمانی مضاعف در کنکور باعث شده که آن‌ها آن قدر تعداد زیادی گزینه‌های با امتیاز منفی را انتخاب نمایند که در مجموع امتیازشان منفی شود. مطابق با مفهوم عقلانیت ابزاری، چنین نوع تصمیم‌گیری -که مخصوص انسان است- تصمیم‌گیری ضدّعقلایی نامیده می‌شود (همان)[4].

راهکارهای کاربردی مستخرج از مدل

این مدل به تحلیل یکی از مؤثرترین و رایج‌ترین رفتارهای انسانی یعنی تصمیم‌گیری می‌پردازد که از این لحاظ بسیار حائز توجه است. بعلاوه مدل تصمیم‌گیری ضدّعقلایی به دست آمده در این نوشتار بر اساس ساختار ایده‌آل مدل‌های رفتاری، یک مدل «کامل» توصیفی از رفتار انسان است؛ و همانگونه که قبلاً بیان شد مدل‌های توصیفی رفتاری می‌توانند مبنایی برای دیگر تجویزها و توصیف‌های خرد و مشخص‌تر رفتار انسان باشند. مثلاً این مدل بیان می‌کند آن علت اصلی که منجر به دستاوردهای ناخوشایند و نامطلوب از فرآیند تصمیم‌گیری – به ظاهر- عقلایی ما می‌شود، احساس شرایط فشار و ادراک شرایط ضرری است که از پیش بر فرد غالب شده است. این موضوع فرد را به تصمیم‌گیری در شرایط عجله سوق داده و به نوبه خود منجر به انتخاب‌های اشتباه بعدی و شرایط ناگوار مضاعف فرد می‌شود. چرخه ای که از احساس شرایط نامطلوب و تصمیمات نامطلوب پی‌درپی و هم‌افزاست.

1.Expected Value

2.Random Walk

3.Crazy Monkey

۴. این پژوهش با عنوانِ تصمیم‌گیری ضدّعقلایی در زبان انگلیسی چاپ شده است (ر.ک. منابع: Abdollahi Neisiani, 2010)

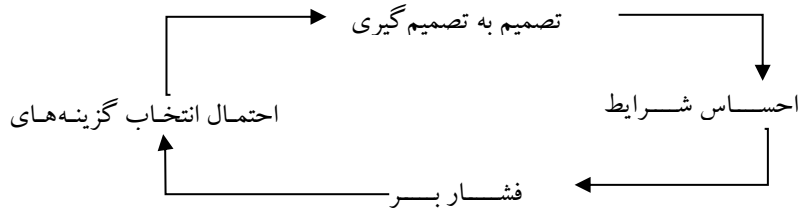

با توجه به این شکل رویکرد کلی تجویزی که در پاسخ به چنین شرایطی می‌توان داشت، خروج از این چرخه خودتقویت‌کننده و هم‌افزاست؛ یعنی فرد حداقل یکی از متغیرهای شکل بالا را به جای زیاد شدن روبه کاهش قرار دهد. موارد زیر راه‌کارهای مشخص‌تری از چگونگی مدیریت این متغیرها پیشنهاد می‌دهد:

۱. با استفاده از مدیریت متغیر «احساس شرایط نامطلوب»، در لحظه به داشته‌ها و آن مواردی در وی احساس نامطلوب کمتر و حتّی احساس شکرگزاری و یا قرار گرفتن در شرایط نسبتاً مطلوب می‌دهد. برای این کار روش‌های متعدد روانشناسی شامل چگونگی شکرگزاری و یا توجه‌آگاهی[1] ایجاد شده‌اند.

۲. با استفاده از مدیریت متغیر «احساس فشار بر تصمیم‌گیر» به صورت موقت شرایطی که منجر به ایجاد فشار مضاعف بر او می‌شود را از بین ببرد یا کم کند. مثلاً پروسه تصمیم‌گیری خود را معطل کند و زمان بخرد. یا اینکه محل استقرار خود را در جلسه تصمیم‌گیری جابجا کند. یا می‌تواند لباس‌های تنگ یا شرایطی که به او –علاوه بر فشار ذهنی– فشار فیزیکی و جسمی می‌آورند را از خود دور سازد.

۳. با استفاده از مدیریت متغیر «احتمال انتخاب گزینه‌های نامطلوب» از طریق مشورت گرفتن با کسانی که مثل او در شرایط فشار نیستند.

۴. با استفاده از مدیریت متغیر «تصمیم به تصمیم‌گیری و اقدام». با توجه به اینکه در چنین شرایطی خودِ تصمیم‌گیری نوعی تصمیم محسوب می‌شود و یکی از گزینه‌های نامطلوب هست، بهترین کار عدم اقدام به تصمیم‌گیری و تعویق آن تا اولین شرایط مناسب ممکن هست.

1. Mindfulness

فهرست منابع

قرآن کریم

انصاریان، حسین. (۱۳۸۳). **ترجمه قرآن**. قم: انتشارات اسوه.

آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ ه. ق). **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی**. بیروت: دار الکتب العلمیه.

بیضاوی، عبداللّه بن عمر. (۱۴۱۸ ه. ق). **أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

رضائیان، علی؛ و عبدالهی نیسیانی، علی. (۱۳۹۷). مدل رفتار انسان در مواجهه با دو ساحت مطلوبیت- نامطلوب؛ تحلیلی قرآنی، رویکردی مدیریتی. **اندیشه مدیریت راهبردی**. سال دوازدهم پاییز و زمستان. شماره ۲ (پیاپی ۲۴). صص ۱۸ - ۵۵

زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ ه. ق). **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**. بیروت: دارالکتاب العربی.

شارپ، ولیام اف. الکساندر، گوردون جی؛ و بیلی، جفری وی. (۱۳۸۸). **مدیریت سرمایه‌گذاری**. (م. شریعت پناهی و ا. جعفری، مترجم) تهران: اتحاد.

شوکانی، محمد بن علی. (۱۴۱۴ ه. ق). **فتح القدیر**. بیروت: دار ابن کثیر.

شومیکر، پاملا. جی. (۱۳۸۷). **نظریه‌سازی در علوم اجتماعی**. (م. عبداللهی، مترجم) تهران: انتشارات جامعه شناسان.

صادقی تهرانی، محمد. (۱۳۶۵). **الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة. قم**: انتشارات فرهنگ اسلامی.

طالقانی، سید محمود. (۱۳۶۲ ه. ش.). **پرتوی از قرآن** (نسخه چهارم). تهران: شرکت سهامی انتشار.

طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴ ه. ش.). **ترجمه تفسیر المیزان**. (س. موسوی همدانی، مترجم) قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.

طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ ه. ق.). **المیزان فی تفسیر القرآن**. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۶۰). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. (ر. ستوده، مترجم) تهران: انتشارات فراهانی.

طوسی، محمد بن حسن. (بی‌تا). **التبیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

عبدالهی نیسیانی، علی (۱۳۸۷)، روش تحلیل محتوای کیفی تطبیق یافته به منظور تحقیق در متن قرآن کریم. **آموزه‌های قرآنی**. دانشگاه علوم اسلامی رضوی؛ شماره ۲۸.

عبدالهی نیسیانی، علی (۱۳۹۴). **مدل‌های رفتار انسان در قرآن** (رساله دکتری). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

فقیهی، سید ابوالحسن. (۱۳۷۶). تئوری و شبه تئوری: چه نوشته ای را می توان تئوری خواند. **اقتصاد و مدیریت** - دانشگاه آزاد اسلامی.

فیض کاشانی، ملا محسن. (۱۴۱۵ ه. ق). **تفسیر الصافی**. تهران: انتشارات الصدر.

قدیری اصلی، باقر. محتشم دولتشاهی، طهماسب؛ و تقوی، مهدی. (۱۳۶۶). **اقتصاد خرد**. تهران: کتابخانه فرودین.

لسانی فشارکی، محمدعلی و مرادی زنجانی، حسین. (۱۳۹۱). **روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم**. قم: بوستان کتاب.

مراغی، احمد بن مصطفی. (بی‌تا). **تفسیر المراغی**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مصطفوی، حسن. (۱۴۳۰ ه. ق.). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم** (نسخه ۴). بیروت، لبنان: دار الکتب العلمیهٔ- مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.

نیومن، لاورنس. (۱۳۸۹). **شیوه‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کمّی و کیفی**. (ح. دانایی فرد و س. ح. کاظمی، مترجم) تهران: نشر مهربان.

Abdollahi Neisiani, A. (2010). Anti-Rartional Decision Making. **AJBM (African Journal Of Business Manangement)**, 4 (8), 1652-1653.

Abdollahi Neisiani, A & Rezaeian, A. (2020). Ideal type of behavioral models in management researches; a theory building approach. **Journal of Economics and Administrative Sciences**, 3(S3), pp. 1143-1156.

Baran, S. J., & Davis, D. K. (1995). Mass communication theory; foundations, ferment, and future (4th ed.). **Wadsworth Pub**. Co.

Carlile, P. R., & Christensen, C. M. (2005, February). The Cycles of Theory Building in Management Research**. Harvard Business School Working Paper**, No. 05-057.

Diehl, E., & Sterman, J. (1995). Effects of Feedback Complexity on Dynamic Decision Making. Organizational Behavior And Human Decision Processes, 62 (2), 198-215. doi:10. 1006/obhd. 1995. 1043

Etzioni, A. (1985). Guidance rules and rational decision making**. Social Science Quarterly**, 66 (4), 755-769.

Forrester, J. (1971). Counterintuitive Behavior of Social Systems. **SIMULATION**, 16 (2), 61-76. doi:10. 1177/003754977101600202

Griffin, R. W., & Moorhead, G. (1986). **Organizational behavior**. Boston: Houghton Mifflin Co.

Hersey, P., & Blanchard, K. H. (1977). **Management of organizational behavior: Utilizing Human Resources** (third ed.). Englewood Cliffs, New Jersey: Prentice-Hall, Inc.

Kahneman, D. (2003). Maps of Bounded Rationality: Psychology for Behavioral Economics. **American Economic Review**, 93 (5), 1449-1475. doi:10. 1257/000282803322655392

Kahneman, D., & Tversky, A. (1973). On the psychology of prediction. **Psychological Review**, 80 (4), 237-251. doi:10. 1037/h0034747

Kahneman, D., & Tversky, A. (1979). Prospect Theory: An Analysis of Decision under Risk. **Econometrica**, 47 (2), 263. doi:10. 2307/1914185

Kahneman, D., & Tversky, A. (2000). **Choices, values, and frames**. New York: Russell sage Foundation.

Kalberg, S. (1980). Max Weber's Types of Rationality: Cornerstones for the Analysis of Rationalization Processes in History. **American Journal Of Sociology**, 85 (5), 1145. doi:10. 1086/227128

Kaplan, A. (1964). **The conduct of inquiry: Methodology for behavioral sciences**. San Francisco: Chandler.

Nadler, D., & Tushman, M. (1980). A model for diagnosing organizational behavior. **Organizational Dynamics**, 9 (2), 35-51. doi:10. 1016/0090-2616 (80) 90039-x

Robbins, S., & Judge, T. (2013). **Organizational behavior** (15th ed.). Boston: Pearson.

Severin, W. J., & Tankard, J. W. (1997). **Communication theories: Origins, Methods, and uses in the mass media** (4th ed.). New York: Longman.

Simon, H (a) (1957). **Administrative behavior: A study of Decision -Making Process in Administrative Organization** (2nd ed.). New York: Macmillan.

Simon, H (b) (1957). A Behavioral Model of Rational Choice. In: **Models of Man, Social and Rational: Mathematical Essays on Rational Human Behavior in a Social Setting**. New York: Wiley.

Simon, H. (1955). A Behavioral Model of Rational Choice. **The Quarterly Journal Of Economics**, 69 (1), 99. doi:10. 2307/1884852

Simon, H. (1979). Information Processing Models of Cognition. **Annu. Rev. Psychol**., 30 (1), 363-396. doi:10. 1146/annurev. ps. 30. 020179. 002051

Simon, H. (1991). Bounded Rationality and Organizational Learning. Organization Science, 2 (1), 125-134. doi:10. 1287/orsc. 2. 1. 125

Zhang, Y., & Wildemuth, B. M. (2009). Qualitative analysis of content. In B. Wildemuth (Ed.), **Applications of Social Research Methods to Questions in Information and Library Science** (pp. 308-319). Westport, CT: Libraries Unlimited.